



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

اومی آید

صاحبہ اسرارہ علیا دربارہ موعود جهانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

او می آید (مصاحبه با سران مذاهب درباره موعود جهانی)

نویسنده:

انصاف علی هدایت

ناشر چاپی:

نور ولایت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
او می آید (مصاحبه با سران مذاهب درباره موعود جهانی)	۶
مشخصات کتاب	۶
سخن کوتاه ناشر	۶
موعود جهانی در عقاید مشترک مذاهب ها و ملت ها	۶
اشاره	۶
در منابع زرتشتی	۷
در منابع یهود	۸
در منابع مسیحیت	۹
موعود جهانی کیست؟	۱۳
گفتگو با اسقف اعظم ارامنه ایران آزاداک مانوکیان	۱۳
گفتگو با حکامیان معلم دینی یهودی کشور و هارون یشایایی	۱۶
گفتگو با رستم شهرزادی موبد زرتشتیان ایران	۲۰
گفتگو با دو تن از پیروان سیک	۲۴
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۲۵

او می آید (مصاحبه با سران مذاهب درباره موعود جهانی)

مشخصات کتاب

سرشناسه: هدایت، انصافعلی عنوان و نام پدیدآور: او می‌آید/ مصاحبه با سران مذاهب و مسلک‌ها درباره موعود جهانی/ گزارش از انصاف علی هدایت؛ مقدمه از علی دوانی مشخصات نشر: تبریز/ نور ولایت، ۱۴۱۷ق. = ۱۳۷۶. مشخصات ظاهری: ص ۶۶ شابک: ۹۶۴-۹۱۴۴۴-۰۰-۴۲۰۰۰-۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی قبلی موضوع: مهدویت - انتظار موضوع: م ح م د بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - غیبت رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴الف ۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: م. ۷۹-۲۳۶۵

سخن کوتاه ناشر

ای دادرس ستمدیدگان عالم! امسال نیز مانند هر سال دیگر با دلی شاد و سرشار از عشق و محبت به استقبال سالروز ولادت با سعادت و بزرگداشت نیمه شعبان می رویم، و از خداوند جهان می خواهیم که در ظهورت تعجیل کند. خداوندا، می دانیم که در قرآن مجید فرموده ای منتظر آمدن او باشید که من نیز با شما از منتظرانم. معبودا اگر مصلحت است بیش از این ما را در انتظار مگذار و چشم منتظران را به قدوم حجت غائب خود منور گردان. آفریدگارا، می دانیم که باید همه شرایط برای آمدن آخرین برگزیده ات فراهم شود، ولی طاقت ما هم حدی دارد، و کی باشد که این همه انتظارها پایان یابد و طلعت نورانی موعود جهان از پس پرده غیبت به در آید؟ معبودا، نه تنها ما شیعیان جهان، که همه اهل عالم با زبان بی زبانی در انتظارند و او را از تو می خواهند. او که همان مهدی منتظر و نجات دهنده دنیا از ظلم و ستم و پریشانی و بی سر و سامانی و تشکیل حکومت واحد جهانی است. چیزی که مطلوب همه است و همه در انتظار اویند. [صفحه ۸] این گزارش کوتاه، گوشه ای از این واقعیت است که برادر گرامی ما آقای انصاف علی هدایت تهیه کرده، و شرح و بسط آن را حجه الاسلام و المسلمین استاد علی دوانی به عنوان یک عالم و دانشمند مطلع شیعه و دارای تالیفات ارزشمند داده است. کسی که پنج اثر نفیس او از میان انبوه آثارش فقط درباره امام زمان حجت بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - است، یعنی موعودی که جهانیان در انتظار آمدن او هستند. ستاد بزرگداشت مراسم نیمه شعبان شادمان است که این گزارش جالب و شرح و بسط جالبتر پیرامون آن را یکجا منتشر می سازد و در اختیار طالبان می گذارد. باشد که تا حدی دین خود را در این راه ادا کرده باشد و منتظران را امیدوارتر سازد. نیمه شعبان ۱۴۱۷ انتشارات نور ولایت

[صفحه ۹]

موعود جهانی در عقاید مشترک مذهب ها و ملت ها

اشاره

حجت الاسلام و المسلمین استاد علی دوانی نویسنده این سطور در سال ها قبل، در صدد بر آمد تا پیرامون شخصیت امام غائب حضرت حجت بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - تحقیقاتی بعمل آورد، و آثاری در این راستا منتشر سازد. کتاب مهدی موعود ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار علامه مجلسی که جامعترین و مفصل ترین کتاب در این مورد است، و موعودی که جهان در انتظار اوست و دانشمندان عامه و مهدی موعود و شوق مهدی و امام زمان در نظر دیگران محصول آن کار و تحقیقات است که با فاصله زمانی تالیف و چاپ و منتشر شده است. این پنج کتاب ما تقریبا محتوی بحث های عمده درباره واقعیت موعود جهانی، یعنی

حضرت امام زمان غائب از انظار است که نه تنها شیعیان جهان، بلکه کلیه مسلمانان، حتی پیروان همه ادیان آسمانی و اغلب مردم روی زمین در انتظار آمدن اویند. [صفحه ۱۰] در کتاب دوم موعودی که جهان در انتظار اوست با مراجعه به کتب دینی زرتشتیان و یهود و نصارا و تواریخ ادیان که توسط محققان صاحب نظر نوشته شده، گزیده ای از اعتقادات ملت ها و پیروان ادیان را ارائه داده ایم و نتیجه گرفته ایم که اعتقاد به موعود جهانی ریشه در تعالیم و بشارت های انبیاء دارد و آنها بوده اند که از جانب خداوند به مردم مژده داده اند که در بحرانی ترین ازمه تاریخ بشر، انسان برگزیده ای از جانب خدا مامور می شود که برای همیشه ظلم و ستم را از روی زمین ریشه کن کند، و به جای آن عدل و داد و امنیت مطلق را در سراسر گیتی برقرار سازد. ما این معنی را با مراجعه به کتاب ها به دست آوردیم و نوشتیم، ولی اخیرا بر حسب تصادف دیدیم که نویسنده کاوشگر آقای هدایت دست به کار نو و ابتکاری زده و با مراجعه به صاحب نظران و مقامات مذهبی و روحانی ادیان و کیش هایی که در ایران هستند از آنها راجع به مسئله موعود جهانی نظر خواسته و تا آن جا که امکان داشته است مطالب را از زبان خود آنها چه مثبت و چه منفی یادداشت کرده و با کمال امانت بدون حب و بغض آماده انتشار نموده است. پیش از آن که اشاراتی به آن اظهارات داشته باشیم، لازم می دانم که دورنمایی از آنچه را ما در این زمینه از کتاب های آنها یا تواریخ ادیان به دست آورده ایم، ارائه دهیم تا تکمیلی باشد برای این موضوع که به طور شفاهی اظهار شده است، و هم زمینه وسیع تری باشد برای کسانی که می خواهند در این خصوص علم و آگاهی داشته باشند، یا در آن باره کاوش و تحقیق نمایند. [صفحه ۱۱]

در منابع زرتشتی

درست روشن نیست که زرتشت پیغمبر یا مردی حکیم و خیر خواه بشر بوده است. [۱] و آنچه به نام اوست تا چه حد از تحریف و دگرگونی سالم مانده است. در منابع اصلی زرتشتی که زرتشتیان کتب مقدس خود می دانند، زرتشت معتقد بوده پیوسته دو نیروی متضاد خیر و شر یا نور و ظلمت، به نام های اوامر مزدا یا یزدان منبع روشنایی و دانش وسیع، و دیگری به نام اهریمن منشا جهل و تاریکی و فساد، در کشمکش و نزاع هستند، تا زمانی که سوشیانت یا سوشیانس یعنی نجات دهنده دنیا که در هزار سوم بعد از زرتشت می آید ظهور کند و این زد و خورد سرانجام به شکست کامل اهریمن پایان پذیرد و ظلم و فساد و شر و بدی بکلی از جهان ریشه کن شود. یکی از صاحب نظران که در این باره تحقیقاتی نموده است، می نویسد: موضوع تقابل نور و ظلمت در روز نخست در تعالیم زرتشت یک اصل منطقی بوده و بعدها موبدان زرتشتی آن را به صورت دو گانه پرستی ثنویت و دو خدای خالق خیر و شر و نور و ظلمت و احترام به آتش و پرستش آن در آورده اند، با این که تعالیم اولیه زرتشت با آئین اخلاقی و طریقه یکتا پرستی هماهنگ بوده است. [۲] تقابل نور و ظلمت و کشمکش آنها تا پایان روزگار (نه به عنوان دو خالق خیر و شر) در اسلام نیز آمده است، و به صورت تقابل حق و باطل، ابراهیم و نمرود، موسی و فرعون، پیغمبر اسلام و ابوجهل، امیرالمومنین و معاویه و روشن تر بگوئیم: آیین الهی و شیطان و مهدی موعود و دجال دیده می شود. با این که طبق نوشته محققین تمام کتب زرتشتی دستخوش تغییر و تحریف [صفحه ۱۲] شده است، مع الوصف پیشگویی های زرتشتی راجع به نجات دهنده در کتاب های زند و هومن یسن و جاماسب نامه و سایر منابع کنونی زرتشتیان با جزئی اختلاف که از تصرف بعدی ناشی شده است، با اخبار اسلامی و آنچه شیعیان جهان درباره امام زمان علیه السلام نقل کرده اند و بدان ایمان دارند، مطابقت کامل دارد. و هومن یسن تفسیر قسمتی از اوستا کتاب منسوب به زرتشت است که توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی کنونی برگردانده شده، و به عنوان مسئله رجعت و ظهور در آئین زرتشت چاپ و منتشر شده است. دو باب آخر جاماسب نامه نیز مشتمل بر پیشگویی های زرتشت از زبان جاماسب حکیم خطاب به گشتاسب پادشاه وقت که به آئین زرتشت گرویده بود، با چند کتاب دیگر راجع به موعود آخر الزمان توسط صادق هدایت از متن پهلوی ترجمه شده و به وسیله حسن قائمیان دوست وی به نام ظهور و علائم ظهور منتشر شده است. در

جاماسب نامه جاماسب حکیم شاگرد زرتشت از قول وی خبر می دهد که پیش از ظهور سوشیانس (نجات دهنده دنیا) پیمان شکنی و دروغ و بی دینی در جهان رواج می یابد و مردم از خدا دوری جسته، ظلم و فساد و فرومایگی آشکار می گردد. همین ها نیز اوضاع جهان را دگرگون ساخته، زمینه را برای ظهور نجات دهنده دنیا مساعد می گردانند. در جاماسب نامه که گفتیم به پیوست زند و هومن یسن چاپ شده است، می خوانیم: وقایعی که مصادف با ظهور می شود عبارت است از علامات شگفت انگیزی که در آسمان پدید می آید و دال بر آمدن خرد شهر ایزد [۳] می باشد، و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند و به همه دنیا پیام می فرستد، اما اشخاص شرور او را انکار می کنند و کاذب می شمارند، [صفحه ۱۳] و نگهبانان پیروزگر آسمان ها و زمین ها در برابر او سر فرود می آورند. [۴] در جاماسب نامه گشتاسب پادشاه وقت می پرسد: وقتی سوشیانس ظهور کرد چگونه فرمانروائی و دادستانی می کند و جهان را چطور اداره خواهد کرد و چه آئینی دارد؟ جاماسب در پاسخ وی می گوید: سوشیانس (نجات دهنده دنیا) دین را به جهان روا (رایج) کند و آز و نیاز (فقر و تنگدستی) همه را تباہ کند و اهریمن را از دامان (آفریدگان) بازدارد و مردمان گیتی هممنش (همفکر) و همگفتار و همکردار باشند [۵] می بینیم که این علائم چقدر با اعتقاد ما درباره مهدی موعود شباهت دارد. پاورقی [۱] مورخان وجود او را از ۶۶۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد دانسته اند! [۲] تاریخ جامع ادیان - علی اصغر حکمت - ص ۳۱۹. [۳] نام دیگر سوشیانت - نجات دهنده دنیاست. [۴] زند و هومن یسن، ص ۲۵. [۵] زند و هومن یسن، ص ۱۲۲، ۱۲۱.

در منابع یهود

اعتقاد به آمدن شخصی فوق العاده در بحرانی ترین ایام روزگار و انتظار او و دادرسی او نسبت به بندگان خدا در منابع کنونی یهود هم با همه تحریفاتی که در آنها طی قرون متمادی پدیده آمده چشمگیر است. در زبور داود، کتاب دانیال نبی، کتاب اشعیا نبی و غیره از این معنی سخن رفته، و از این نظر تطبیق آن با مسئله مهدی موعود کمال شباهت دارد. مزامیر یعنی سرودهای حضرت داود جزء تورات کتاب مقدس و مشهور یهود است که نزد نصارا نیز مقدس می باشد. و آن را عهد عتیق یا عهد قدیم می دانند. اینک قسمت های جالبی از مزامیر داود راجع به آمدن او که یهود و نصارا باید در انتظار او باشند نقل می شود. در مزمو ۳۷ خداوند به داود تسلی می دهد که از کثرت شریران واهمه نداشته باشد، زیرا سرانجام همه آنها نابود خواهند شد، بدین گونه: [صفحه ۱۴] خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد شد، زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند وارثان زمین خواهند بود... حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید... صالحان را خداوند تایید می کند. خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند و آنانی که ملعون وی اند منقطع خواهند شد... صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود!... عاقبت شریران منقطع خواهند شد و نجات صالحان از آن خداوند است... منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار تا تو را به وراثت زمین برافرازد. این مطلب که در مزمو ۳۷ است، عینا در قرآن مجید آمده است، بدین گونه: و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون [۱] یعنی: ما در زبور.... از ذکر [۲] نوشتیم که سرانجام زمین را بندگان صالح و شایسته ما به ارث خواهند برد. و نیز در مزمو ۷۳ از جمله می گوید: در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود، و او حکمرانی خواهد کرد، از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد، و جمیع امت ها او را بندگان خواهند نمود. در مزمو ۹۶ می خوانیم که: قوم ها را به انصاف داوری خواهد نمود. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد، دریا و پری آن غرش نماید، صحرا و هر چه در آن است به وجد می آید، آن گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید. همچنین در مزمو ۹۷ می گوید: آسمان ها عدالت او را اعلام می کنند و جمیع قوم ها جلال او را می

بینند، پرستندگان بت‌های تراشیده خجل [صفحه ۱۵] می‌شوند. در کتاب صفینای نبی (عهد عتیق) باب سوم سطر ۸ و ۹ می‌خوانیم که: خداوند می‌گوید برای من منتظر باشید، زیرا که قصد من این است که امت‌ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم. در آن زمان، زبان پاک به امت‌ها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه (خدا) را بخوانند و یک دل او را عبادت نمایند. در قرآن مجید آیه ۵۵ سوره نور که درباره ظهور امام زمان و مردم زمان او تفسیر شده است، می‌خوانیم که: یبعدونی و لا یشرکون بی شیئا یعنی در آن موقع همه مردم مرا عبادت می‌کنند و دیگر به من شرک نمی‌ورزند. و در کتاب حقوق نبی (عهد قدیم) باب دوم از جمله می‌خوانیم که: اگر چه تاخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود، بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمام قومها را برای خویشتن فراهم می‌آورد. در این باره دو آیه شریفه در قرآن مجید هست. نخست آیه: فقل انما الغیب لله، فانظروا انی معکم من المنتظرین [۳] یعنی: بگو فقط خدا غیب دان است، پس منتظر قیام مهدی باشید که من نیز با شما از منتظرانم. و دیگر آیه: فانظروا انی معکم من المنتظرین [۴] منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم. در کتاب زکریای نبی (عهد قدیم) باب چهاردهم سطرهای ۱ و ۲ و ۷ و ۹ و ۱۱ می‌خوانیم که: اینک روز خداوند می‌آید... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود، نه روز و نه شب... در آن روز یهوه (خدای) واحد خواهد بود. در قرآن مجید این آیه هست که: و لقد ارسلنا موسی بایاتنا ان اخرج [صفحه ۱۶] قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بایات الله، ان فی ذلک لایات لکل صبار شکور [۵] یعنی: موسی را همراه آیات خود فرستادیم و گفتیم که قوم خود را از ظلمت‌ها به نور در آور، و روزهای خداوند را به آنها یاد آور شو که در آن نشانه‌هایی است برای هر بردبار شکرگزاری. در خصال شیخ صدوق است که امام باقر فرمود: ایام الله (روزهای خداوند) سه روز است: روز قیام قائم آل محمد، روز رجعت و روز قیامت. و در کتاب اشعیای نبی (عهد قدیم) می‌خوانیم که: مسکینان را به عدالت یآوری خواهد کرد... و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت و گرگ با بره سکونت خواهد داشت، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری باهم، و طفل کوچک آنها را خواهند راند و در باب چهل و پنجم آن کتاب است که: (خداوند) امت‌ها را به وی تسلیم می‌کند و او را بر پادشاهان مسلط می‌گرداند. و در باب شصت و پنجم است که: گرگ و بره باهم خواهند زیست. در این باره پس از بررسی منابع مسیحیت، نظر اسلام را درباره ظهور مهدی موعود خواهیم دید. پاورقی [۱] آیه ۱۰۵، سوره انبیاء. [۲] در این جا ذکر به معنی تورات اصلی یا همه کتاب آسمانی پیشین است. [۳] سوره یونس، آیه ۲۰. [۴] سوره یونس، آیه ۱۰۲. [۵] سوره ابراهیم، آیه ۵.

در منابع مسیحیت

راجع به سابقه آمدن مهدی و یاران او و جهان در عصر او و آمدن او در تاریک‌ترین ادوار روزگار، و تشکیل حکومت واحد جهانی، در انجیل‌ها سخن‌ها رفته است. در انجیل متی، باب ۲۴ حضرت عیسی در پاسخ شاگردانش که پرسیدند: [صفحه ۱۷] به ما بگو این امر کی واقع می‌شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟ عیسی در جواب ایشان گفت:... اینک شما را از پیش خبر دادم... همچنان که برق از شرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... و پسر انسان را ببینید که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید... لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید. این سؤال و جواب در سایر انجیل‌ها هم آمده است، اما در آن جاها راجع به آمدن خود عیسی سؤال نشده است، مثلا در انجیل مرقس باب ۱۳ می‌گوید: چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل [۱] نشسته بود، پطرس و یعقوب و یوحنا و اندریاس سرا از وی پرسیدند ما را خبر ده که این امور کی واقع می‌شود و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟ عیسی همان مضمون گذشته را جواب می‌دهد تا آن جا که می‌گوید آن گاه پسر انسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می‌آید. در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه، از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد... جالب است که مستر هاگس آمریکائی کشیش

ساکن همدان در کتاب فارسی قاموس مقدس که شرح لغات تورات و انجیل است به عکس همه موارد برای پسر انسان عنوان خاصی قرار نداده، بلکه آن را در عنوان پسر خواهر آورده است! و در لفظ مسیح می نویسد: در اناجیل هشتاد مرتبه خود را به ایشان (شاگردانش) پسر انسان خطاب نموده و در عنوان پسر خواهر می گوید: این لفظ در عهد جدید (انجیل ها) هشتاد دفعه مذکور است، و در سی موضع از آنها قصد از آن، خداوند ما عیسی مسیح است که خود در حق خود فرموده است. [صفحه ۱۸] ولی توضیح نمی دهد که در ۵۰ مورد دیگر منظور عیسی از پسر انسان کیست؟ اگر در لفظ مسیح گفته است همه این هشتاد مورد منظور خود عیسی است، دیگر چرا در عنوان پسر خواهر می گوید ۳۰ مورد آن منظور عیسی است؟ و چرا این ۸۰ مورد را در همان عنوان پسر انسان نیاورده است؟! آیا این نمی رساند که عیسی خواسته است بگوید مهدی آخر الزمان فرزند انسان کامل پیغمبر خاتم می آید، و من هم از آسمان با کمک ابرها فرود می آیم و به کمک او دنیا را پر از عدل و داد می کند؟! کنجی شافعی از علمای اهل تسنن از ابن ماجه قزوینی در کتاب سنن نقل می کند که گفته است: روایات درباره ظهور مهدی آل محمد به حد تواتر رسیده است که او دنیا را پر از عدل و داد می کند، و با عیسی بن مریم قیام می نماید، و عیسی علیه السلام به وی در کشتن دجال (مظهر دروغ و تزویر) در فلسطین کمک خواهد کرد. مهدی با مردم نماز می گزارد و عیسی به وی اقتدا می کند. در بسیاری از روایات معتبر شیعه در تفسیر این آیه ان شاء نزل علیهم من السماء آیه [۲] یعنی: اگر بخواهیم می توانیم علامتی بر آنها از آسمان فرو فرستیم، گفته اند: هنگام کشمکش اهل شام و انقلاب بزرگ که در حوالی فلسطین روی می دهد، منتظر ظهور مهدی باشید، و این علامت آسمانی به قدری وحشت آور است که دوشیزگان سراسیمه از پرده بیرون می روند و آنها که در خواب هستند از خواب پریده و آنها که بیدارند به خواب می روند. نیز کنجی شافعی از صحیح مسلم نقل می کند که پیغمبر در ضمن حدیث مفصلی راجع به دجال فرمود: عیسی بن مریم در مشرق دمشق در حالی که دو دست خود را روی شانه دو فرشته نهاده است، در میان مسلمانان فرود می آید و پشت سر مهدی نماز می گذارد. [صفحه ۱۹] نیز کنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان روایت می کند که پیغمبر فرمود: چگونه خواهید بود در وقتی که عیسی بن مریم در میان شما فرود می آید و امام شما (مهدی) هم در میان شماست؟ سپس کنجی شافعی می گوید: این حدیث مورد اتفاق تمام محدثین اهل سنت است. دانشمند نامبرده از ابن عباس روایت می کند که پیغمبر (ص) فرمود: امتی که من در اول، و مهدی در وسط، و عیسی در آخر آن باشد، هرگز از میان نمی رود، سپس می گوید: واسطه بودن مهدی نسبت به عیسی نسبی است، زیرا عیسی اندکی بعد از ظهور مهدی خواهد آمد و مردم را دعوت به پیروی از مهدی و دین اسلام می کند که تنها آئین جهانی آن روز است. این را ما از علمای اهل تسنن نقل کردیم. آنچه علمای شیعه در این باره نوشته اند بسیار مفصل است و اصولاً شیعه و سنی در این باره کتاب ها نوشته اند و سخن ها گفته اند. این بود دورنمایی از موعود جهانی در عقاید مشترک مذهب ها مبنی بر این که آمدن نجات دهنده دنیا از اسرار بزرگ الهی است، و در عقیده شیعیان جهان او کسی جز مهدی موعود اسلام و امام دوازدهم آنان نیست. صادق هدایت نویسنده مشهور که دارای افکار خاصی بود و جنبه مذهبی هم نداشت می نویسد: هر چند مبانی مذاهب سامی هنوز کاملاً برای تاریخ مذاهب روشن نشده است، اما راجع به موعود، در مذاهب عیسی و یهود و مانی و اسلام، انتظار نجات دهنده ای را دارند که خواهد آمد و همه دنیا را اصلاح خواهد نمود، مع هذا در بعضی جزئیات با یک دیگر فرق دارند، مثلاً یهودیان و عیسویان چشم به راه رجعت مسیح می باشند، در صورتی که در اسلام ظهور می کند، یعنی امامی که غایب است به موقع ظاهر می شود و دنیا را پس از آن که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می نماید. [صفحه ۲۰] یهودیان و عیسویان نجات دهنده را مسیح می نامند که برگزیده شده (کتاب اشعیا، باب شصت و یکم - ۱). در مذاهب یهود و مسیح و زرتشتی قبل از ظهور نجات دهنده قوای بدی ظاهر می شود. نزد یهود هجوم یاجوج و ماجوج، نزد عیسویان اژدها یا جانور یوحنا و پیغمبر کذاب، نزد زرتشیان مار ضحاک که همان عیسویان، و دجال مسلمانان است. نزد هر سه ملت نجات دهنده از دودمان عالی مرتبه خواهد بود. نزد یهودیان و عیسویان از نژاد پادشاه اسرائیل، نزد

زرتشتیان سوشیانس پسر زرتشت است و مسلمانان مانند عیسویان معتقدند که عیسی باید قوای بدی را منهدم بسازد و دجال یا پیغمبر کذاب ظهور بکند، و لیکن اسلام همه این وظیفه را به عهده عیسی نمی گزارد و کارگشائی به دست امام غائب انجام خواهد گرفت که او نیز از اولاد پیغمبر اسلام است. [۳] برخی از خاورشناسان که از راه دور مغرب زمین و با دید و تشخیص خود، معتقدات دینی مسلمانان مشرق را مورد مطالعه قرار می دهند امثال دار مستتر و ادگار بلوشه چون دیده اند زرتشتیان و یهود و نصارا و مسلمانان همگی در انتظار موعودی هستند که در اوضاع بحرانی جهان ظهور کرده و دنیا را پر از عدل و داد می کند، تصور کرده اند که این عقیده ریشه ایرانی و آریایی دارد و بعدها به ملل نژاد سامی و پیروان سایر مذاهب سرایت کرده است! ولی آنها از این نکته غافل مانده اند که چون موضوع نجات دهنده دنیا یک موضوع مهم عقیدتی و راز بزرگ الهی است، عقیده مشترک ملل معتقد به خدای جهان را تشکیل می دهد، و اخبار آن به وسیله همه کتب آسمانی و پیامبران الهی به مردم اعلام شده است، با این فرق که هر ملتی او را از نژاد [صفحه ۲۱] خود دانسته و ظهور او را به منظور بهبود کار خود تلقی می کنند. حسن قائمیان دوست صمیمی صادق هدایت در کتاب درباره ظهور و علائم ظهور که از نوشته های صادق هدایت گرد آورده صریحا می نویسد که صادق هدایت از وضع موجود کاملاً سرخورده شده بود و پیوسته به امید آینده بهتر و روشنی به سر می برد و چون به آن نرسید دست به خودکشی زد. وی می نویسد: صادق هدایت در تهیه آثار ظهور نجات دهنده دنیا از منابع ایرانی و یهود و نصارا و اسلام گویی به رسالت بزرگ خدایی خویش کاملاً آگاه بود و آنها را عالمانه انتخاب کرده بود.... سپس می نویسد: موضوع ظهور موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است، و در همه مذاهب مشترک است و آرزوی مشترک همه معتقدین به مذاهب بزرگ را تشکیل می دهد آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی... به قول صادق: صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می دهد، هر فرد علاقمند به سرنوشت بشریت و طالب تکامل معنوی آن وقتی که از همه سو ناامید می شود و می بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت انگیز باز متأسفانه بشریت غافل و بی خبر روز به روز خود را بیشتر به سوی فساد و تباهی می کشاند و بیشتر از خداوند بزرگ دوری می جوید و بیشتر از او سرپیچی می کند، بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می شود و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می جوید. از این رو در همه قرون و اعصار آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل های خداپرستان وجود داشته است، و این آرزو تنها در میان پیروان مذهب های بزرگ سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه های یونان، در افسانه های میترا در ایران، در کتاب های قدیم چینیان و در عقاید هندیان و در بین اهالی [صفحه ۲۲] اسکاندیناوی و حتی در مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آن می توان یافت [۴] بنابر این، اعتقاد به ظهور نجات دهنده مقتدری که با تاییدات خاص الهی و امداد غیبی، برای همیشه بشریت را از سرگردانی و فساد و تباهی نجات می دهد و تمام روی زمین را پر از عدل و داد می کند، و همه را از یک زندگی توأم با آرامش و آسایش برخوردار می گرداند، خواست همه است. شیعیان جهان آن را در وجود مهدی موعود اسلام پسر امام حسن عسکری علیه السلام امام غائب از انظار می بینند و طی ۱۴ قرن در تمام اعصار بدان مشهور بوده اند. او همان موعود جهانی و راز بزرگ الهی است و تا زمینه برای پذیرش او عمومی نباشد، ظهور نخواهد کرد، چون در غیر آن صورت او را هم مانند اجدادش تنها می گذارند و به قتل می رسانند، چنان که مردم کم رشد با همه پیغمبران الهی و نیاکان او چنین کردند. آری همه باید بدانند و به این مژده دل خوش دارند تا زمانی که او از پرده غیبت به در آید و جهانیان را از لذت ظهور و حضورش شادمان گرداند. قول حافظ: از دست غیبت تو شکایت نمی کنم تا نیست غیبتی نبود لذت حضور مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید از غم هجر مکن ناله و فریاد که من زده ام فالی و فریاد رسی می آید آنچه در این دفتر مختصر از نظر شما خوانندگان می گذرد گفتگویی است که بعضی از سران مذاهب و کیش ها با برادر مسلمان ما آقای هدایت داشته اند، خیلی چیزها را گفته اند، و خیلی ها را هم یا نگفته اند یا آمادگی آن را نداشته اند، [صفحه ۲۳] یا اگر اشاراتی به موعود اسلام داشته اند، از آن بی خبر بوده اند. مثلاً امام زمان در روایات

صحیح ما، شهادت جدش امام حسین علیه السلام را دلیل بر قیام خود نمی داند و اگر در روایتی آمده و راست باشد می خواهد بگوید: ای مردم عالم، خداوند چنین انسان های برگزیده ای را برای هدایت بشر فرستاد، ببینید چگونه با او رفتار کردند. و اینکه که من آمده ام دیگر شما از این حق ناشناسی و کشتن مردان الهی که برای نجات شما آمده است دست بردارید. در روایات معتبر ما هست که وقتی مردم دیدند انسانی کامل برای نجات آنها آمده است و به آنها راست می گوید خود او را پذیرا می شوند و اگر سخن از جنگ و خونریزی است، عمومیت ندارد، بلکه امام زمان قوای بدی را که مظهر دروغ و تزویر و جبهه ضد خدا است، و نام آن دجال می باشد، نابود می کند، تا جهان از ظلم و تعدی به کلی آسوده شود و راه برای هدایت بشریت به راه راست و تشکیل حکومت واحد جهانی هموار گردد. لازم نیست ما جلو ظلم و فساد را نگیریم تا دنیا پر از ظلم و ستم شود و او زودتر بیاید، نه، هر چه ما با ظلم و فساد مبارزه کنیم با یک گل و دو گل و سه گل دنیا گلستان نمی شود، چنان که می بینیم پس از ۱۷ سال که انقلاب اسلامی ایران به رهبری ابر مرد تاریخ جهان معاصر امام خمینی رضوان الله علیه، بر ضد ظلم و ستم در ایران زمین مبارزه شده، باز روز به روز ظلم و فساد در دنیا زیادتر می شود، و همه در این فکر هستند که مگر آن برگزیده خدا، امام زمان بیاید و به عبارت دیگر، دستی از غیب برون آید و کاری بکند! دین مبین اسلام که ناسخ ادیان الهی پیشین است، مدعی است که در بحرانی ترین ایام روزگار مهدی موعود که ذخیره الهی و آخرین برگزیده خداوند است، و از دودمان پیغمبر اسلام و امیرالمومنین و حضرت فاطمه [صفحه ۲۴] زهرا علیهم السلام و نهمین امام معصوم از سلاله امام حسین علیه السلام است می آید و دنیا را پر از عدل و داد می کند. شیعیان جهان، پیروان صدیق ائمه خاندان پیغمبر عقیده دارند که سوشیانیس در اعتقاد زرتشتیان و مسیح موعود در اعتقاد یهود و نصارا، و پسر انسان در اعتقاد دیگر نصارا و مهدی موعود در اعتقاد مسلمانان اهل تسنن، و نجات دهنده دنیا، خواسته همه امیدواران عالم، کسی جز امام دوازدهم حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام نیست، و او سرانجام خواهد آمد و به انتظارها پایان می دهد و همه او را پذیرا می شوند. در روایات معتبر و صحیح ما امام زمان نه مردم را قتل عام می کند و نه اسبش تا زانو در خون می ماند، و نه سیل خون بالا می آید، بلکه ظهور امام زمان و نجات دهنده دنیا و مهدی موعود اسلام در وقتی است که دیگر مردم از همه جا سر خورده شده اند، از همه جا بریده اند، و به هیچ کس و هیچ مقامی که مدعی خدمت به خلق است، اعتماد ندارند. چنین وضعی است که ایجاب می کند نجات دهنده بیاید و برای همیشه بشریت را از قید و بندها رها سازد و مدینه فاضله ای که افلاطون در خواب می دید، در بیداری برای جهانیان پدید آورد. در پایان تذکر این نقطه را لازم می دانیم که طبق روایت شیخ صدوق در کتاب کمال الدین ابوبصیر از حضرت امام رضا علیه السلام پرسید: تفسیر آیه هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون [۵] یعنی: او خداوندی است که فرستاده خود را با هدایت و دین حق می فرستد تا بر تمامی دین ها پیروز گردد هر چند مشرکان نخواهند. چیست؟ چه موقع خداوند فرستاده خود را با هدایت و دین حق می فرستد تا او را بر همه دین ها غالب گرداند؟ حضرت فرمود: ای ابوبصیر! هنوز موقع [صفحه ۲۵] تاویل آن نرسیده است. پرسید: موقع تاویل آن کی خواهد بود؟ فرمود: بخواست خداوند، هنگامی که قائم ما قیام کند [۶] علامه کراچکی در کنز الفوائد از عبایه ربعی روایت می کند که امیر مومنان علیه السلام این آیه را تلاوت نمود و سپس فرمود: به خدائی که جان من در دست اوست بعد از ظهور وی (مهدی) قریه ای نیست که صبح و شام بانک اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله در آن بلند نشود. در کتاب مزبور از عبدالله بن عباس روایت می کند که راجع به تفسیر این آیه گفت: در آن روز تمام یهود و نصارا و پیروان هر کیشی به دین حنیف اسلام می گروند و گرگ و میش و گاو و شیر و انسان و ما را از جان خود ایمن می باشند و این به هنگام ظهور قائم آل محمد است [۷] (کنایه از عدالت عمومی است که در پرتو ظهور آن حضرت در سراسر جهان گسترش می یابد). در حدیث مشهور مفضل بن عمر نیز آمده است که وی از حضرت صادق علیه السلام پرسید: تاویل لیظهره علی الدین کله چیست؟ فرمود: ای مفضل! به خدا قسم قائم ما اختلاف را از میان ملل و ادیان بر می دارد و همه دین ها یکی می شود چنان که خداوند فرموده است: ان الذین

عند الله الاسلام دین در نزد خداوند تنها دین اسلام است. [۸] فرمود: و من یتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخره من الخاسرین یعنی: هر کس جز آئین اسلام را بپذیرد از وی پذیرفته نمی شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود. [۹] تهران - علی دوانی [صفحه ۲۷] پاورقی [۱] معبد داود و سلیمان که در جای امروزی مسجد اقصی بوده است. [۲] سوره حج، آیه ۶۰. [۳] مقدمه کتاب زند و هومن یسن، ص ۲۳. [۴] درباره ظهور و علائم ظهور، حسن قائمیان، ص ۴۷. [۵] سوره صف، آیه ۹. [۶] مهدی موعود، ص ۲۵۶. [۷] مهدی موعود، ص ۲۵۷. [۸] سوره آل عمران، آیه ۱۹. [۹] سوره آل عمران، آیه ۸۵.

موعود جهانی کیست؟

موعود کیست؟ چه ویژگی هایی دارد؟ چه زمانی و چگونه خواهد آمد؟ به راستی، او خواهد آمد یا وعده ای است که برای تحمل رنجها و مشقت های زندگی داده شده است؟ در چه شرایطی خواهد آمد؟! اعتقاد به آمدن و ظهور او خاص یک گروه و یک دین است، یا دین ها و ملت های دیگر هم به آمدن فردی با ویژگی خاصی اعتقاد دارند؟ او به تنهایی می آید یا کسانی او را همراهی خواهند کرد؟ و... دهها سوال در ذهن هر انسانی که از وضع جامعه کنونی بشریت، ظلم و فساد، فحشا و منکر، مواد مخدر، قتل و غارت قانونی و غیر قانونی و.... به ستوه آمده و آنانی که به آینده بشریت می اندیشند، جا گرفته است. هر کسی از دیدگاه مذهب و مرام خود به آنها می نگرد و پاسخی قانع کننده برای آن نمی یابد یا ناقص می یابد. بسیاری هم سرگردان این دشت بی حاصل هستند که به گرد خویش در آن کویر می چرخند و پناهی نمی یابند. اعتقاد به آمدن فردی استثنائی در میان مسلمانان ریشه دوانده [صفحه ۲۸] است که به داد بشریت می رسد و سرانجام آنها را به سامان می رساند و همه را در زیر یک پرچم و تحت قوانین یک حکومت گرد می آورد. اما این که او کیست، فرزند چه کسی است، در چه شرایطی و با چه ویژگی هایی خواهد آمد؟ و... بحث های زیادی وجود دارد. این نوع بحث ها در میان دین ها و مسلک ها و مرام های دیگر نیز وجود دارد. کمتر راه و روشی وجود دارد که در مورد آینده بشریت سکوت اختیار کرده و از فردی سخن نگفته باشد، که می آید و داد را از بیدادگران می ستاند و انسان را به آرامش روحی و جسمی می رساند... ما برای پی بردن به بحث موعود و این که انسانی فوق العاده ظهور خواهد کرد، به دیدار رهبران دینی چند مذهب و کیش رسمی و غیر رسمی کشور رفته و در مورد آن که خواهد آمد با آنان به گفتگو نشسته ایم.

گفتگو با اسقف اعظم ارامنه ایران آراداک مانوکیان

مارکاریان جوانی حدود ۲۷ ساله، مسئول روابط عمومی خلیفه گری ارامنه ایران در تهران است. صورتی تراشیده و پوشیده از لبخند دارد. با تبسمی به لب به درخواست ما گوش می دهد. آن گاه با صدای اندکی زیر می گوید: جناب اسقف اعظم، آراداک مانوکیان حتما در این مورد صحبت می کنند. فقط یکی دو روز مهلت بدهید. چند روز بعد تلفن می کند و قرار ملاقات می گذارد. روز قرار فرا [صفحه ۲۹] می رسد. به اتفاق آقای مارکاریان وارد سالن تشریفات در طبقه دوم ساختمان خلیفه گری می شویم. سالن آراسته به نقاشی هایی از عیسی مسیح و حواریان است. رنگ دیوار و سقف، گل کاریها، فرش کف سالن، میزها، صندلی ها و مبلمان ها همه یاد آور دوران گذشته هستند. وقتی در سالن بسته می شود و رابطه مان با دنیای خارج قطع می شود، خود را در قرن های گذشته اروپا می یابیم. قرن هایی که حکومت های روحانیان مسیحی بر اروپا سایه افکنده بود و آنان با جاه و جلال و اکرام از راهروها عبور می کردند و قدم های خود را روی فرش های زیر پا می نهادند..... اطرافیان سر فرود می آوردند و به جان رهبران مقدس خود دعا می خواندند و دشمنان آنان را به تیر نفرین می دوختند. وقتی روحانی فرمانروا بر کرسی فرماندهی می نشست و دست های خود را روی دستی صندلی می گذاشت و اندکی جلو می راند، همه، یکی یکی می آمدند و از دست مبارک و انگشترهای نایاب او بوسه می گرفتند و تن خود را متبرک می کردند و او لبخندی حاکی از رضایت می زد. ما چه باید بکنیم، به

پایش بلند شویم، به جلوییش برویم، با او دست دهیم، یا زانو زده و دستش را غرق بوسه کنیم؟ اما برای چه؟ مگر او انسانی همچون ما نیست؟ فقط درس مذهبی خوانده و لباسی به تن کرده که به او جلوه تقدس داده است. از طرف دیگر نه ما به کیش اویم و نه برای زیارت و تبرک جویی آمده ایم و نه مذهبی که به آن پای بندیم، اجازه این اعمال را به ما می دهد. این افکار در مدتی که منتظر اویم، چون سیل از ذهنمان جاری می شود. [صفحه ۳۰] در باز می شود. موکت سرخ رنگ کف سالن به راهرو می رود و از آنجا به در اتاق ها و پله ختم می شود و ادامه می یابد. او به آرامی گام های خود را یکی بعد از دیگری بر می دارد و به سالن نزدیک می شود. آن تجسم شکوه ذهنی ما از او فرو می ریزد. او به تصور ما از یک اسقف اعظم، شباهتی نداشت. او انسانی با قدی حدود ۱۶۰ سانتی متر، بدون کلاهی بر سر و صلیبی به دست است. به احترامش بلند می شویم و چند قدم جلو می رویم. دستش حالتی وا رفته پیدا می کند و انگار برای بوسه زدن ما به حرکت در می آید. سست و آرام. دستان دستانش را می گیرد و می فشارد: سلام! با لحنی که لهجه ارمنی از آن می بارد: سلام. این آرداک مانوکیان اسقف اعظم ارامنه ایران است. به هنگام معرفی خودمان و ارائه موضوع، متوجه می شویم که بیش از چند کلمه فارسی نمی داند و یا نمی خواهد فارسی صحبت کند. آقای مارکاریان حرف هایمان را ترجمه می کند. او فقط برای لحظاتی خیلی کوتاه لبهایش را به علامت لبخند، به طرف گونه ها کش می دهد. لباسش مثل لباس روحانیان مسلمان است. موی سرش نه چندان کوتاه اما ریشش بلندتر از موی سرش است. آدمی بسیار متعصب و خشک مذهب به نظر می رسد تا به هنگام سؤال و جواب بشناسیمش! سؤال، ترجمه و جواب و ترجمه جواب شروع می شود. آیا شما ارامنه و مسیحیان، منتظر شخص یا شخصیتی هستید که بیاید و تغییراتی در اجتماع بشری به وجود آورد؟ چون بعضی از ادیان منتظر فردی هستند که بیاید و [صفحه ۳۱] تغییراتی در نوع برخوردهای بشری باهم ایجاد کند. با صدای آرام و اندکی زیر، در حالی که چشمهایش را به ما دوخته پاسخ می دهد: دین ما نیز مثل اکثر ادیان دیگر که به آمدن فردی اعتقاد دارند، به ظهور مجدد حضرت عیسی اعتقاد دارد. همه مسیحیان هم به این معتقدند. چون خود حضرت ایشان اعلام کرده اند و در انجیل هم آمده است. حضرت عیسی فرموده: من اکنون می روم و باز خواهم گشت. حتی کلیسای ما نیز یکی از یک شنبه های عید خود را یکشنبه بازگشت نامیده است. در این روز کلیه مراسم مختص به مسیح است ولی زمان بازگشت ایشان معلوم نیست و کسی هم در این مورد چیزی نمی داند و خودشان فرموده اند. کسی نمی داند کی باز می گردم. علایم زمان بازگشت من، نشانه هایی چون زلزله در زمین، رعد و برق در آسمان خواهد بود. او پس از این نشانه ها دوباره ظهور خواهد کرد اما خبری در مورد تغییرات اجتماعی به ما داده نشده است. این شخصیت چه مشخصات ظاهری دارد؟ هیچ نشانه خاصی درباره او داده نشده است. یعنی در رابطه با ظاهر فیزیکی او، اطلاعاتی در دست نیست. او چه مشخصات و ویژگی های اخلاقی و اجتماعی دارد؟ چیزی مشخص نیست. وقتی او ظهور می کند، چه تاثیراتی از خود به جا می گذارد؟ [صفحه ۳۲] کتب مقدس، ارزش های اخلاقی و انسانی، اعتقاد به خدا و ارزش های معنوی را ترویج می کند. حال که معتقدید مسیح دوباره خواهد آمد، وعده باز آمدن او از زبان چه کسی داده شده است؟ از طرف خود حضرت مسیح به باز آمدنش اشاره شده است. حال، در چه شرایط اجتماعی خواهد آمد؟ در مورد شرایط اجتماعی، زمان ظهور او، خبری داده نشده است. حتی کشور محل ظهور او هم مشخص نیست. او چگونه می آید؟ چگونه آمدنش هم مشخص نیست. وقتی آمد. چه می کند؟ تعالیم دینی را ترویج خواهد داد. هدف او از آمدن چیست؟ ترویج تعالیم دینی. تاثیر این نوع انتظار بر مسائل دینی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و صنعتی چیست؟ در متون مقدس مطلبی در این مورد نیامده است. حال، از نظر دین شما، شرایط منتظر بودن یک فرد معتقد به انتظار چیست؟ هیچ موقعیت مشخصی برای ظهور در متون مشخص نشده است اما از طریق دعاها، آموزش آمادگی برای بازگشت ایشان به مردم داده می شود. آیا آمدن موعود و مسیح یک وعده صرف است یا یک [صفحه ۳۳] حقیقت است؟ یعنی آیا این موضوع برای امیدوار کردن به زندگی عنوان می شود؟ این حقیقت است. وقتی او بیاید، مرز کشورها از بین خواهد رفت. دادگاه آخری بوجود خواهد آمد و هر کس به سزای عمل خود خواهد رسید و پس از

بازگشت ایشان مسئله دوزخ و بهشت رفتن افراد روشن خواهد شد. چرا عده ای به آن شخصیت موعود عقیده ندارند؟ هر کس در عقیده خود آزاد است. می تواند معتقد باشد، یا نباشد. چه کسانی با موعود به مخالفت خواهند پرداخت؟ چیزی در مورد افراد مخالف او، به ما گفته نشده است و کسی چیزی در آن مورد نمی دارند. انتظار چه تاثیرهایی روی جامعه و افراد می گذارد؟ هر کس منتظر پاداش اعمال خودش است و روشن شدن مسئله بهشت و دوزخ. انتظار چه تاثیری روی خود فرد منتظر می گذارد؟ خود را ملزم به رعایت قوانین اجتماعی، الهی و انسانی می کند. اگر مسئله انتظار هم نبود، انسان ها ملزم به رعایت این ارزش ها بودند. آیا در میان مسیحیان، قوم، قبیله یا عده ای بوده اند که مراسم خاصی برای به دست آوردن آمادگی به هنگام ظهور او داشته باشند؟ مثلا در میان شیعیان گروهی در خراسان با نام سربداران بودند که چشم به انتظار او داشتند و هر از چندی مسلحانه برای پیشواز از او در محلی خارج از شهر [صفحه ۳۴] جمع می شدند. آیا چنین گروهی در میان شما بوده است؟ در سال ۱۰۰۰ میلادی، اشخاص زیادی منتظر ظهور ایشان بودند که ظهور نکردند. چرا که احتمال ظهور او در هر یک هزار سال یک بار است. آیا شما به غیر از مسیح، اساطیری را دارید که به عقیده مردم برای مبارزه با ظلم، دوباره قیام کنند؟ اساطیری هست ولی چیز خاصی در مورد آن نمی توان گفت. آیا او به همراه کسی ظهور می کند یا به تنهایی می آید؟ به تنهایی می آید. سپاسگزارم که وقت خودتان را در اختیار ما قرار دادید و امیدوارم با چنین کارهایی مذاهب به هم نزدیک شوند. از روی صندلی برخاستیم و دست دادیم و خدا حافظ. خدا حافظ و چند قدم هم او را بدرقه کردیم. آقای مارکاریان پرسید: چطور بود؟ اصلا خوب نبود. از متن انجیل، قدم بیرون گذاشت. من چند بار متن انجیل را خوانده بودم. چیز بیشتری حتی نظر شخصی او را در این موارد به دست نیاوردم. مارکاریان: او واقعا مقدس است! یک اسطوره ارمنی در مورد امید دادن به مردم می گوید: سالها سال قبل داوید ساسونی پدر داوید مهر برای آزادی ارمنستان و رهایی مردم از زیر ظلم و ستم و تسلط اعراب، سال ها جنگید و مبارزه کرد. کار او به جایی نمی رسد و از دنیا می رود. فرزند او مهر کوچک کار پدر را [صفحه ۳۵] پی می گیرد ولی کاری نمی تواند بکند. شکست می خورد. او به غار صخره کلاغها پناه می برد که در نزدیکی شهر وان ترکیه شرقی و در نزدیکی مرز ایران قرار داشت، وارد غار می شود و در غار بسته می شود و او در آنجا می ماند. او قبل از پناه بردن به غار صخره کلاغها به پیروان خود گفته است: زمانی ظهور می کنم که شرایط زمین آماده باشد. دانه های گندم به بزرگی گردو باشد و زمین بتواند وزن اسب مرا تحمل کن. ارمنی ها معتقدند، هر سال در شب خاصی، در صخره باز می شود، مهر با اسبش به در غار می آید. وقتی اسبش پایش را روی خاک می گذارد، در آن فرو می رود. مهر به درون غار بر می گردد. چرا که زمین را آماده قیام خود نمی یابد. آنان معتقدند، داوید ساسونی در هر روز به اندازه ۷ سال رشد می کرده، قدرت زیادی داشته، اسبش پرواز می کرده و از نوک شمشیر او رعد و برق بیرون می جهیده است. مارکاریان معتقد است که داوید ساسونی به قرن دوازدهم میلادی تعلق داشته و هنوز این اسطوره در حافظه ارمنی ها اندکی زنده است. او در ادامه توصیه می کند، برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به کلیسای کاتولیک ها یا خلیفه گری کاتولیک مراجعه کنید. وقتی به آنجا مراجعه می کنیم، کسی زبان فارسی را نمی فهمد. با بخش فرهنگی و مذهبی کنسولگری واتیکان تماس می گیریم. آنان که به سوالات جوانان از طریق رادیو مونت کارلو پاسخ می دهند، می گویند: سیاست ما در ایران مصاحبه نکردن با مطبوعات است و متأسفیم. [صفحه ۳۶] جناب آرداک مانوکیان که اسقف اعظم است سالها قبل به عنوان آبا یا طلبه وارد مدرسه شده، دوره های تعلیمات دینی را گذرانده و تز دانشگاهی خود را با موفقیت پشت سر گذاشته تا این که وارتابد یا معلم دینی شده است. اگر وارتابدی خدمات خاصی انجام دهد، به درجه وارتابد ارشد ی می رسد. اگر او بتواند، از دانشگاه های غیر مذهبی هم مدرکی به دست آورد، پیس کوپوس یا اسقف می شود. بعد از این که به درجه اسقفی رسید، می تواند رهبری حوزه های منطقه یی شود. اگر کسی بتواند درجه جاسلیق اعظم یا رهبری و مرجعیت دینی را به دست آورد، جهت تقلید، مردم را به سوی خود خواهد کشاند. جاسلیق اعظم ارمنیان بالا-ترین مقام دینی و سیاسی است که یکی در ارمنستان و نفر دوم در حومه بیروت زندگی می کند.

کلیساهای ایران به مرجع تقلید یا جاسلیق اعظمی که در بیروت زندگی می کند، وابسته هستند و در ایران با نام گریگوری، کلیسای حواری ارمنی یا کلیسای گریگوری که محل اسقف اعظم است، مشهورند.

گفتگو با حکاکیان معلم دینی یهودی کشور و هارون یشایایی

بعد از قرارهای مختلف، حق با ما یار شد و آقای حکاکیان، معلم دینی یهودیان کشور و آقای هارون یشایایی، دبیر انجمن کلیمیان ایران در کتابخانه مرکزی یهودیان به تور ما می افتند و در مورد موعود به [صفحه ۳۷] سوالهایمان جواب دادند. البته آقای حکاکیان با تاخیر به جمع ما پیوست. آقای یشایایی، دبیر انجمن کلیمیان ایران در پاسخ به این که آیا شما منتظر شخص یا شخصیتی هستید که بیاید و تغییراتی در اجتماع به وجود آورد؟ چون چندی قبل که به دفتر انجمن آمده بودیم، زن جوانی در پاسخ به این که آیا شما معتقد به موعود هستید یا نه؟ گفت، اول باید دید، آمدن فردی یک واقعیت است یا نه، امیدی تو خالی برای تحمل راحت تر زندگی و دشواری های آن است؟ بعد به خود موعود پرداخت. حال نظر شما در این مورد چیست؟ گفت: آن چه فرهنگ دینی و اعتقادی یهودیان را می سازد و به فرهنگ توحیدی آنان شکل می دهد، امید به رحمت خداوند به عنوان یک اصل است. چرا که خداوند رحمت خود را برای همه و بخصوص شامل حال یهودیان می داند. به این دلیل، آنان آن مدتی را که در گوشه و کنار جهان زندگی می کردند، امیدشان را از دست ندادند. دبیر انجمن یهودیان ایران در ادامه به انواع امید پرداخته به مهدی می رسد: امید شکل های گوناگونی دارد. در جایی به شکل ماشیح یا مهدی ظهور می کند. ماشیح یعنی کسی که در پی همه ستم های جاری که به بشر می شود، ظهور خواهد کرد. ظهور ماشیح، مشکل گشای همه مشکلات زندگی انسانی خواهد بود و در آن فصل، عدالت استقرار خواهد یافت. آقای هارون یشایایی در ادامه به جملاتی از گفتار اشعیا نبی در مورد ظهور ماشیح پرداخته، می گوید: او که از معتبرترین پیامبران یهودی است در مورد ظهور ماشیح می گوید: به هنگام ظهور او گرگ با [صفحه ۳۸] بره در کنار هم آسوده زندگی خواهند کرد. ملت ها برادرانه باهم زندگی خواهند کرد. دشمنی و عناد از جهان رخت بر خواهد بست. روشنایی استمرار خواهد یافت... او به کتاب مراجعه کرده، چنین ادامه می دهد: مردی مثل پناهگاهی از باد و پوششی از طوفان خواهد بود و مانند تیرهای آب در جای خشک و سایه صخره عظیم بر زمین سخت آورنده خواهد بود و چشمان بینندگان تار نخواهد شد و گوش های شنوندگان اذکار خواهد کرد و دل شنوندگان معرفت را خواهد فهمید. در ادامه اضافه می کند: این توصیف وضع ماشیح است. البته ماشیح، تجسمی مذهبی دارد. در عین حال به طور کامل، انسانی است. او خاص قوم یهود نیست. کسی است که عدالت را بر جهان گسترش خواهد داد. امت ها را به دور هم جمع خواهد کرد. این موضوع، امری توحیدی و جهانی در تفکر مذهبی است. به عقیده دبیر انجمن کلیمیان ایران، امید به ظهور ماشیح، همان چیزی است که در ادیان دیگر هم دیده می شود. امید این که ستم باقی نمی ماند. یعنی همان موضوع که حافظ می فرماید، چون کار جهان یک سره بر منہج عدل است خوش باش که ظالم نبرد راه به جایی او در ادامه می گوید: ماشیح، آدمی است که از نسل آدم متولد شده و ظهور خواهد کرد. خداوند به او این وعده را داده که عدالت را در زمین برقرار سازد. زمین را نجات دهد. انسان را نجات داده، قدوسیت را در جهان باقی بگذارد. [صفحه ۳۹] وی تاکید می کند: این تفکر مذهبی یهود است و بسیار بسیار در کتاب های زبور داود، کتاب اشعیا نبی، جامع سلیمان درباره این امید گفته شده است. آقای هارون یشایایی در ادامه از زبان اشعیا نبی به نوع دیگری از امید اشاره کرده، می گوید: بعد از خرابی معبد اول و تسلط کورش، پادشاه ایرانی بر منطقه یهود و انقراض حکومت یهود، عده ای از یهودیان به بابل کوچ می کنند. بعد از مدتی، کوروش فاتح به آنان اجازه می دهد که به معبد اول برگردند. در این زمان اشعیا نبی، کوروش را با لقب مسیح یاد می کند، خداوند به مسیح خویش یعنی کوروش که دست راست او را گرفتم تا او امت ها را مغلوب سازد و کمر پادشاهان را بگشاید تا درها به حضور وی مفتوح نمایند و مغازه ها دیگر بسته نشوند، چنین می گوید که من

پیش یوسف خواهم خرامید و جاهای ناهموار را هموار خواهم کرد و درهای برترین را شکسته، پشت بندهای آهنین را خواهم درانید و گنج های ظلمت و خزاین مخفی را به تو خواهم بخشید تا بدانید که من یهوه که تو را به اسمت خوانده ام، خدای بنی اسرائیل هستم. در باب ۴۵ کتاب اشعیا نبی از کوروش به عنوان نجات بخش قوم یهود یاد می شود. وی این نوع نجات را با نجاتی که ماشیح به مردم خواهد بخشید، مقایسه کرده، می گوید: این نجات قوم یهود است ولی ماشیح مفهومی مذهبی و راست است که عدل را در جهان برقرار خواهد کرد. سؤال: پس ماشیح فردی جهانی است؟ بله. کوروش نجات بخش قوم یهود بود ولی ماشیح نجات بخش [صفحه ۴۰] انسان است. وظیفه او گسترش عدالت است. او هم آدمی، همچون بقیه آدمهاست و از میان انسان ها و به فرمان خدا و به اراده خدا ظهور خواهد کرد. سؤال: آیا او به تنهایی ظهور خواهد کرد یا افراد و انبیائی او را همراهی می کنند؟ ماشیح اسم عامی است که به طور دقیق چه کسی بودن و مشخصات او عنوان نشده است. گفته شده که از سلاله و فرزندان داود است اما معلوم نیست که فرزند فلان کس باشد. سؤال: آیا در کتاب مقدس در مورد خصوصیات ظاهری ماشیح مطالبی نیامده است؟ من نشنیده ام. فقط شنیده ام، او یک رویه انسانی دارد و از سلاله داود است. این تنها آدرسی از اوست که در کتاب های دینی ما آمده است. سؤال: ماشیح از نظر اخلاقی و خصوصیات اجتماعی دارای چه ویژگی هایی است که می تواند جامعه را برانگیزاند؟ در کتاب ها، عدالت را به هنگام ظهور او تعریف کرده اند که امتها در کنار یک دیگر زندگی خواهند کرد. امتی بر امت دیگر برتری نخواهد داشت و خداوند نجات دهنده و راهنمای تمامی امت ها خواهد بود. سؤال: سخن من در مورد خصوصیات اجتماعی و اخلاقی او... وضع یهود، متفاوت از دیگر مذاهب هاست. در یهود معصوم مطلق وجود ندارد و حتی انبیاء هم می توانند گناه کنند. حضرت موسی که یکی از پیامبران اولوالعزم و تنها کلیم الله است، هم به روایت تورات، گناه [صفحه ۴۱] می کند و خداوند او را به خاطر آن مواخذه می کند. یعنی ماشیح هم مثل هر انسان دیگری، توصیف انسانی دارد. فضایل اخلاقی دارد. قدرتمند است. از نظر اخلاقی در موقعیتی است که دیگر انسان ها را به دنبال خود می کشد و می تواند قوم، انسان و امت ها را رهبری کند. او مثل بقیه انسان ها و پیامبران دچار خشم هم می شود. سؤال: ماشیح می آید. توانایی رهبری جامعه را از نظر اخلاقی و اجتماعی و احتمالاً از نظر قدرت نظامی دارد ولی آیا او در شرایط خاص اجتماعی ظهور می کند یا نه، در هر شرایطی می تواند بیاید؟ به طور کلی، ترکیب تفکر قومی مذهبی یهود بر این استوار است که وقتی بی عدالتی بر جهان حاکم شود و ظلم دنیا را بگیرد، ظهور ماشیح علت پیدا می کند. یعنی علت ظهور او، استقرار ظلم و بیدادگری است و چون ظلم نمی تواند دوام داشته باشد، ظهور ماشیح آن را به عدالت تبدیل خواهد کرد. در حقیقت زمینه ظهور او، بیدادگری و بی خودی انسان از خود خداوند است. سؤال: آیا ظهور او فقط در شرایطی است که ظلم بر جامعه حاکم شده و انسان از خود و خدا بیگانه می شود؟ یا نه، شرایط دیگری هم برای ظهور او لازم است؟ آنچه که در اخلاق مذهبی اهمیت دارد، مثلاً: در مجلس عشرت کنندگان نخواهم نشست و شادی نخواهم نمود. به سبب آن که منتظر دست های تو هستم که مرا نجات دهد. ظهور او همگام با سقوط اخلاقیات از دیدگاه مذهبی خواهد بود. در کتاب ارمیا نبی در مورد [صفحه ۴۲] ویژگی های ماشیح آمده است: تو را از دست شیران خواهم رهانید و تو را از کف ستمکشان آزاد خواهم کرد. به عقیده وی، تفکر ظهور مهدی یا ظهور ماشیح با زبان های مختلف، در تمام متون تورات و کتاب های دیگر پیامبران آمده است. به نظر وی در متن دیگری، از ماشیح به شکل تمثیلی یاد شده و آمده است: او مثل درخت نشانده بر کنار آب خواهد بود که ریشه های خود را به سوی نهر پهن می کند و چون گرما بیاید، نخواهد ترسید و برگش شاداب خواهد ماند و در خشک سالی اندیشه نخواهد داشت و از آوردن میوه باز نخواهد ماند. یا در متن دیگری آمده: یهوه (خدا) تفتیش کننده دل و آزماینده جزاها هست تا بر هر کس بر حسب راه هایش و بر وفق ثمره اعمالش جزا دهد. سؤال: او به چه شکلی قیام و ظهور می کند؟ آیا جنگ مسلحانه می کند یا راه دیگری را در پیش می گیرد؟ صهیونیست ها تلاش می کنند، از تفکر و متون تورات در مورد ماشیح، برداشت های ناسیونالیستی و ملی داشته باشند. با این عنوان که نشانه ظهور ماشیح، مهاجرت یهودیان به بیت

المقدس یا جایی است که اکنون اسرائیل خوانده می شود، است. آنان یکی از علایم ظهور ماشیح را تشکیل دولت اسرائیل و تحقق و وعده ای که خداوند برای بازگشت به کوه صهیون داده، می دانند. آقای هارون یشایایی در ادامه اضافه می کند: به اعتقاد من و بسیاری از یهودیان سراسر دنیا، بازگشت به کوه صهیون و بیت المقدس، وعده ای مذهبی است که بازگشتی اعتقادی است. بیت المقدس، محور تفکر [صفحه ۴۳] یهودی بوده و بازگشت به آن و اورشلیم، بازگشت نمادین به ریشه های مذهبی است. نه بازگشت فیزیکی که صهیونیست ها آن را تشکیل دولت اسرائیل می دانند. او ضمن این که تعبیر صهیونیسم را صرفاً تعبیری صهیونیستی می داند، اضافه می کند: صهیونیست ها، تشکیل دولت اسرائیل و تجمع یهودیان در اورشلیم را نشانه ظهور ماشیح می دانند و معتقدند که به هنگام ظهور ماشیح، بیت مدقاشا یا خانه یهودیان، جایی که نور تجلی خدا در آن جاری است، مجدداً ساخته خواهد شد. آقای حکاکیان از راه می رسد. او در مورد بیت مدقاشا می گوید: این خانه که ساخته می شود، خانه عدالت است. خانه ای است که عدالت از آنجا به تمام دنیا گسترش می یابد. می گویند دو برادر کشاورز در محل کنونی خانه مقدس یهودیان زندگی می کردند. برادر بزرگتر تنها بود ولی برادر کوچکتر ازدواج کرده و دارای زن و فرزند بود. وقتی زمان جمع آوری و تقسیم محصول کاشته شده، رسید هر کس سهم خود را جدا کرد و برد و خوابید. نیمه شب، برادر کوچکتر از خواب پرید و با خود گفت، این عادلانه نیست که من که زن و بچه دارم و فردا کسی از دستم می گیرد، به اندازه برادرم که زن و بچه ندارد، سهم برادرم. او بلند شد و مقداری از سهم خود را برداشت و بدون جلب توجه دیگران آن را برد و به سهم برادر بزرگترش اضافه کرد. برادر بزرگتر هم از خواب بیدار شد و با خود گفت: این عادلانه نیست که من یک نفر باشم و به اندازه ای سهم ببرم که برادرم با زن و بچه اش برده و خرجش از من زیاد است. او هم بلند شد و به همان مقدار که برادر [صفحه ۴۴] کوچکتر آورده بود، برداشت و به دارایی برادر کوچکتر اضافه کرد. صبح از خواب بیدار شدند و هر کس به خرمن ها نگاه کرده و تعجب کردند که سهم ها تغییر نکرده بود. شب بعد هم همان کار را تکرار می کنند و باز صبح روز بعد در حیرت به سر می برند. در شب سوم، آنان در یک لحظه بیدار می شوند. محصول را بر می دارند و به طرف دیگری به راه می افتند. آن دو در بین راه به هم می رسند. از نیت هم با خبر می شوند و هم دیگر را به آغوش می کشند و گریه می کنند. در این موقع وحی می رسد که این مکان باید محلی برای گسترش عدالت به سراسر دنیا باشد. خدا آن قطعه زمین را برای معبد مقدس انتخاب می کند. رو به آقای حکاکیان: سؤال: ماشیح به چه شکلی ظهور می کند؟ آیا جنگ و خونریزی خواهد داشت؟ مسلحانه خواهد آمد یا به شکل دیگری می آید؟ یشایایی: اشعیاء نبی می فرماید که به هنگام ظهور ماشیح، شمشیرها به داس تبدیل خواهند شد و هیچ خونریزی نخواهد بود. سؤال: به هنگام ظهور یا بعد از آن؟ یشایایی: هنگام ظهور، علاوه بر این که شمشیرها به داس تبدیل خواهند شد، نشانه هایی از خشم، غضب و کشتار در هنگام ظهور ماشیح نخواهد بود. حکاکیان: قبل از ظهور چنین چیزی بوجود می آید و بی عدالتی دنیا را فرا می گیرد و او ظهور می کند تا عدل را در سر تا سر دنیا برقرار کند. سؤال: آیا به هنگام ظهور او، کسی با وی مخالفت [صفحه ۴۵] نمی کند؟ منافع عده ای به خطر نمی افتد که با ماشیح مخالفت کنند؟ حکاکیان: اصلاً! ابداً! خیر! چنین چیزی نیست! کسی جرات مخالفت پیدا نمی کند. سؤال: چه طور می شود که جرات پیدا نمی کنند؟ حکاکیان: چون معتقدند، او صاحب عدل است و عدل و انصاف را در دنیا حکمفرما می کند. چون هر فرد هر قدر هم که ظالم باشد، وجدانی دارد. وقتی بفهمد که کسی برای برقراری عدل آمده، مخالفتی نمی کند. حضرت اشعیاء نبی می فرماید:... کتاب ها را ورق می زند و پس از چند دقیقه بخش و صفحه مربوطه را پیدا کرده و از آقای یشایایی می خواهد که آن را بخواند. یشایایی عینکش را جابجا کرده، می گوید: این همان چیزی است که ظهور ماشیح را به طور کامل توصیف می کند: و نهالی از تنه ایشع بیرون آمده و شاخه از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند و خوشی ترس خداوند خواهد بود و موافق رویت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش های خویش تنبیه نخواهد نمود بلکه مسکینان را به عدالت داوری

خواهد نمود و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده و شریران را به نفخه لب های خود خواهد کشت و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری و طفل کوچک [صفحه ۴۶] آنها را خواهد راند و گاو و خرس خواهد چرید و بچه های آنها باهم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهد کرد. زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود. مثل آب هایی که دریاها را می پوشانند و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه ایشع به جهت علم قومها بر پا خواهد شد و امت ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود و در آن روز واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و فتوس و حبش و ایلام و شنار و... سؤال: ما معتقدیم، به هنگامی که مهدی می آید، کسانی که منافعشان به خطر می افتد مثل ظالمان و مجریان برنامه های بی عدالتی، مخالف سیستم عدالت گستری خواهند بود. در چنین شرایطی، ماشیح چه طور می تواند بیاید و حکومت کند و عدالت را هم برقرار سازد؟ بشایایی از کتاب می خواند: روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. حکاکیان: به علت روح خدایی که در او هست، مردم توانایی مقاومت در برابر او را نخواهند داشت. سؤال: آیا مردم از طریق یک نیروی ما فوق قدرت بشری به تمکین آنچه ماشیح می خواهند، در خواهند آمد؟ بشایایی: مردم به آن چه او می خواهد و می کند، تمکین خواهند داشت. اساس این است: حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح [صفحه ۴۷] معرفت و ترس از خداوند جاری خواهد شد. حکاکیان: وقتی ماشیح ظالمی را می بیند، نیازی به محاکمه او ندارد. می فهمد که او ظالم است. چرا؟ برای این که قدرتی ما فوق در او هست. او برای تنبیه ظالم، نیازی به شلاق ندارد بلکه با کلام دهانش او را تنبیه می کند و او تنبیه می شود. سؤال: در این صورت اعدام و زندان از بین خواهد رفت! حکاکیان: آری، برای این که وقتی او نگاه کند، متوجه خواهد شد که چه کسی حاکم و چه کسی محکوم است. چون روح خداوندی در اوست. بشایایی: و جهان را به عصای دهان خویش و شریران را به نفخه لب های خود خواهد کشت. یعنی دیگر جنگ و دعوایی در پیش نیست که لشگری با لشگر دیگری بجنگند. حکاکیان: او با حرفش همه چیز را برطرف خواهد کرد. سؤال: در همین جمله، کشتن به چه معنایی است؟ حکاکیان: یعنی اگر ظالمی وجود داشته باشد، او آن را معدوم می کند. سؤال: پس در حقیقت به جای شمشیر، سلاح او، کلمه است و با آن مخالفان را خواهد کشت؟ حکاکیان: از خدا و ما فوق بشری قدرت می گیرد و این قدرت را کسی جز ماشیح نمی تواند داشته باشد. سؤال: آیا ماشیح به تنهایی ظهور می کند؟ حکاکیان: ما معتقدیم که قبل از ظهور، آهنگی نواخته می شود: شوفار زره و ابار گمر، شوفار زره و بار، شوفار زره و ابر گمر، شوفار زره [صفحه ۴۸] و بار قبلاندا و آهنگ بخصوصی که بسیار معجزه را و ترس آور است، ظهور ماشیح را ندا خواهد داد... بشایایی: یعنی ظهور ماشیح اعلام می شود. سؤال: هم زمان با ظهور وی اعلام می شود یا چند روز قبل از آن؟ حکاکیان: هم زمان با ظهورش! سؤال: هدف ماشیح چیست و می خواهد به غیر از عدالت چه چیزی را برقرار کند؟ حکاکیان: چه چیزی بالاتر از عدالت است؟ مگر او چه می خواهد؟ اگر دنیا را عدل بگیرد، دنیا چه نقصی خواهد داشت؟ وقتی انسان ها باهم خوب باشند، زندان نخواهد بود. فساد وجود نخواهد داشت و فرهنگی عالی بر.... حاکم خواهد شد. سؤال: آیا در آن زمان یک نواختی در فکر و عمل بوجود خواهد آمد و تفاوتی در فکر و عمل انسان ها نخواهد بود و همه مثل بطری های نوشابه، با یک نوع تفکر پر خواهیم شد؟ بی هیچ تفاوتی؟ حکاکیان: منظور این نیست. منظور این است که ظلم نخواهد بود. سؤال: این انتظار از نظر دینی چه تاثیری برای شما دارد؟ حکاکیان: از نظر دینی برای ما امید بخش است. امید می دهد. انسان اگر امید نداشته باشد، به چه چیز زنده خواهد بود؟ به هیچ چیز! ولی وقتی امیدوار باشد که کسی می آید و عدالت را برقرار می کند، در انسان اثر می گذارد. [صفحه ۴۹] سؤال: چه تاثیر روی اعمال دینی می گذارد؟ حکاکیان: اثر زیادی می گذارد. فرد می ترسد. در زندگی خطا نمی کند. عبادت خود را انجام می

دهد. زندگی خود را درست برقرار می کند. ظلم نمی کند. چون می داند، حساب و کتابی هست. مخصوصاً روی قوم یهود، اثر زیادی می گذارد. به قسمتی از یک کتاب اشاره کرده، ادامه می دهد: ما این را در روزی ترجمه می کنیم که ۲۶ ساعت روزه گرفته ایم. در روز کیپور یعنی در آن روز که بالاترین روزهاست ۲۶. ساعت به زبان روزه این را در مساجد برای مردم می خوانیم و اعلام می کنیم که امیدوار باشید و در عین امیدواری عدالت خودتان را حفظ کنید. انسانیت و دین خودتان را حفظ کنید. سؤال: از نظر سیاسی چه تاثیری بر شما دارد؟ یشایایی: بیشتر جنبه و شکل مذهبی آن مطرح است نه شکل سیاسی آن. البته یک تلقی، تشکیل دولت اسرائیل است [۱] ولی به طور اصولی، فرد یهودی در تفکر مذهبی خود، سیاسی فکر نمی کرده و نمی کند. منظور از سیاست از نظر شما چیست؟ سؤال: وقتی ما معتقدیم که مهدی می آید، خودمان را آماده می کنیم. حکام جامعه، ظالم و غاصب جایگاه او را غضب کرده اند و تا زمانی که آنها هستند، او نمی تواند ظهور کند. با این دیدگاه، جامعه خود را آماده می کند که هر [صفحه ۵۰] لحظه علیه آن حکومت قیام کند. آیا چنین چیزی در یهودیت وجود دارد؟ یشایایی: در افکار یهودی، ظهوری ماشیح مقدر و تقدیر الهی است. وقتی که ظلم و کفر حاکم شود، خود به خود موجبات ظهور ماشیح فراهم می شود ولی این که چه جور، چرا و با چه کیفیتی ظهور می کند، مقدر و تقدیر الهی است. اشکال سیاسی و اجتماعی ندارد. سؤال: آیا انتظار تاثیری اقتصادی - صنعتی در پی دارد؟ یشایایی: شما نباید ظهور ماشیح در تفکر یهودی را زمینی کنید. در غیر این صورت به صهیونیست ها نزدیک خواهید شد. فکر یهودی چنین مبانی ندارد. سؤال: خود انتظاری که من و شما می کشیم، چه تاثیری بر من و شما دارد؟ حکاکیان: تقوا، امید و روحیه می دهد. به او الهام می شود که باید عدالت و انصاف را رعایت کند. سؤال: یادم است، روز اولی که به انجمن شما آمدم، یک خانم یهودی از من پرسید: آیا شما فکر نمی کنید که اصلاً چنین موعودی نباشد و این برای این است که ما سختی زندگی را تحمل کنیم؟ یشایایی: این نظر آن خانم بوده است. سؤال: آیا این امید خالص است؟ چون بیش از ۳۲۰۰ سال از وعده شما و ۱۴۰۰ سال از وعده داده شده به ما می گذرد؟ حکاکیان: اگر این امید خالص باشد، استغفر الله، وحی پیغمبر ما نفی [صفحه ۵۱] می شود. ما نمی توانیم چنین حرفی بزنیم. مگر می شود، چیزی را که پیامبر گفته، انکار کنیم. وقتی پیامبر حرفی را می زند، برای ما حکم کلام الله را دارد. ما به الهام بودن تمامی چیزهایی که پیامبران ما گفته اند، معتقدیم. یعنی گفته های دیگر پیامبران ما، عین گفته های حضرت موسی در تورات است. او اضافه می کند: آن خانم عقیده خودش را گفته است. او نمی دانسته که با این سخن حرف پیامبر را نفی کرده است. آیا شما می توانید انکار فردی را در مورد یکی از سخنان رسول اکرم قبول کنید؟ حرف و سخن او همیشه پایدار است و امکان کم و زیاد شدن ندارد. نه پیامبر ما و نه پیامبر شما. سؤال: چرا این خانم یا معتقد نیست و یا در اعتقادات خود ضعیف است؟ علل آن چیست؟ یشایایی با اشاره به شعری، گفت: (متاع کفر و دین بی مشتری نیست - گروهی این، گروهی آن پسندند) چنین مواردی دلایل جامعه شناختی دارد و به دانش جامعه شناسی مبسوطی نیاز است که ما صلاحیت آن را نداریم. سؤال: آیا اساطیری هم دارید؟ یشایایی: حضرت خضر یا الیاه نبی بنا به دلایلی غیر فیزیولوژی و بنا به تقدیر الهی جاودانگی دارد و مرگ ندارد. در چند جلسه ای که به دفتر انجمن یهودیان، کتابخانه مرکزی و سالن اجتماعات آنان رفته بودیم، همه آنان، از کودک گرفته تا پیرمرد، کلاه یا عرقچین کوچکی به سر داشتند ولی امروز هیچ کدام آن عرقچین را به سر [صفحه ۵۲] نداشتند. عرقچین برای یهودیان مقدس شده است و جزئی از سمبل های دینی آنان به حساب می آید. بسیاری از یهودیان در استفاده از آن راه افراط می پیمایند. چنان که در کتابی آمده است: یکی از جاسوسان، آدمکش اسرائیلی حاضر نبود، بدون کلاه قدم از قدم بردارد. او برای این که شناخته نشود، موی وسط سر خود را می تراشد و عرقچینی که موی سر انسان بر روی آن چسبانده شده بود را بر سر می گذارد تا مشخص نباشد که او عرقچین به سر دارد تا بتواند در خارج از اسرائیل عملیات خود را بدون جلب توجه دیگران عملی کند. پاورقی [۱] همان که صهیونیست ها و متعصبان یهود می گویند.

یکی از مذاهبی که در ایران به طور رسمی فعالیت می کند، مذهب زرتشتی است. این مذهب، برخاسته از میان ایرانیان است که پس از ورود اسلام به ایران، نفوذ خود را از دست داد اما تعدادی بر آن دین باقی ماندند و اکنون هم به مذهب خود پایبند هستند. روز ملاقات رسید و ما با عجله و تاخیر خود را به معبد زرتشتیان در تهران رساندیم. از در ساختمان که وارد شدیم، احساس کردیم مراسمی چون مراسم ختم و عزاداری ما مسلمانان برگزار می شود. چون چند مرد میان سال بیرون در سالن، دستها به سینه ایستاده بودند و در داخل سالن، زنان و مردان روی صندلی ها نشسته و به وردی که مردی سفید پوش می خواند، گوش فرا می دادند. [صفحه ۵۳] با شک و تردید، از یکی از آنان سراغ رستم شهرزادی، موبد زرتشتیان را گرفتیم، گفت: الان در مراسم عزاداری و ختم هستند و نمی توانند تا ساعت ۶ عصر بیرون بیایند. اندکی خوشحال شدیم ولی با کسب اجازه به مجلس راه یافتیم و روی یک صندلی نشسته به گفتار اوستا گوش دادیم. کلماتی به زبان فارسی قدیم که تا حدودی قابل فهم بود، از متن اوستا خوانده می شد و پس از اندکی تأمل برخاسته و با خم کردن سر به طرف زنان صاحب عزا و دست دادن با مردان صاحب عزا از سالن بیرون آمدیم. آهنگ دعای زرتشتی، بسیار سنگین تر از آهنگ آیات قرآنی بود. قرآن نسبت به آن دارای لحن شعری و روانی بیشتری است. کسی که فوت کرده بود، یک زرتشتی هندی بود. وقتی هفته بعد، در همان روز و ساعت به معبد رسیدیم، بسیار متأسف شدیم. چون باز هم مراسم عزاداری به خاطر فوت یکی دیگر از زرتشتیان در سالن، برقرار بود. وقتی سراغ آقای شهرزادی را گرفتیم، خوشحال شدیم. چون در دفتر خود منتظر ما بود. پیرمردی لاغر و استخوانی و بلند بالا، با بیش از ۶۵ سال سن پشت میز نشسته و چیزی می نوشت. به محض ورود ما و معرفی خودمان، دست داده، بلند شد و کت سفید خود را به تن کرد. آن گاه سمعک خود را به گوش زد و از موضوع پرسید: موضوع چیست؟ در چه زمینه ای می خواهید باهم صحبت کنیم؟ درباره موعود. چند روز قبل تلفنی اندکی صحبت کردیم اما... رستم شهرزادی: کنستانتین اولین امپراتور رومی بود که مسیحی [صفحه ۵۴] شد. او با شدت و علاقه زیاد می خواست مردم دنیا را مسیحی کند. برای همین کشیشان زیادی به اطراف و اکناف دنیا فرستاد. یکی از آن نقاط، ایران بود. مذهب رسمی ایرانیان در زمان تولد مسیح، مهر پرستی بود و اغلب پادشاهان اشکانی چون مهرداد اول، مهرداد دوم و مهرداد سوم، مهر پرست بودند. وقتی کشیشان رومی وارد ایران شدند، گفتند: شما مهر پرست هستید. عیسی هم مهر دوم است. پس مسیح را قبول کنید. به گفته آقای شهرزادی، راه دیگر تبلیغ مسیحیت در ایران این بود که روحانیان مسیحی شایع کردند: سه تن از مغانان ایرانی ستاره مسیح را دیده و به دنبال او رفتند و به مسیح که طفل خوابیده ای بود، هدایایی تقدیم کردند. حال که مغانان، پیشوایان و ستاره شناسان شما او را تصدیق کرده اند، شما چرا دین او را قبول نمی کنید؟ سه مذهب یهود، زرتشت و اسلام معتقدند که پیغمبر رسولی از جانب پروردگار است اما مسیحیان عیسی را در دوره ساسانیان پسر خدا خواندند. چون رومیان که در آیین قبلی خود تجدید نظر نکرده بودند، خدایان را به شکل زن و مرد در آسمان، تصور می کردند و معتقدند بودند: گاهی خدایان آسمانی، عاشق دختران زمینی می شوند و با آنان ازدواج می کنند. بچه آنان مثل بخاری از رحم مادر خارج می شوند، بدون این که به کارت مادر آسیب برسانند. مثلاً هرکول فرزند زئوس خدای خدایان رومی بود که از دختری زمینی متولد شد. کشیشان تصور می کردند با گفتن این که عیسی پسر خدا است، رومیان مسیحیت را قبول خواهند کرد. به اعتقاد رستم شهرزادی، کشیشان و مبلغان مسیحی سطح فکری هر [صفحه ۵۵] جامعه ای را به دست می آوردند و مطابق آن آیات و روایاتی پیدا کرده و تبلیغ می کردند. این در حالی بود که یهودیان عیسی را فرزند یوسف نجار می خواندند. چندی قبل از تولد او، امپراتور روم خبردار شد که تا دو ماه دیگر طفلی به دنیا خواهد آمد و تاج و تخت رومیان را بر خواهد چید. لذا دستور داد، هر کودکی که در بیت المقدس، لبنان، اردن، ترکیه در آن دو ماه تولد یابد را بکشند. یوسف نجار در نزدیکی های وضع حمل مریم، او را از شهر خارج کرد تا کودکش در امان بماند. در بین راه به کاروان سرایی رسیدند و درد زایمان شروع شد. یوسف زنش را در آخور طویله پنهان کرد و او در

همان جا فارغ شد. به گفته موبد زرتشتیان، راه دیگر تبلیغ مسیحیت در ایران، جعل یک روایت بود که مگر نشنیده اید، وقتی زرتشت در سیستان آب تنی می کرده، نطفه او به آب دریاچه ریخته شد. از آن پس هر سال دختر باکره ای که در آب آبتنی می کند، حامله می شود. یکی از آن بچه ها مسیح است. پس عیسی فرزند زرتشت است. شما دین او را قبول کنید. رستم شهرزادی در مورد علت استفاده از چنین شیوه های تبلیغی می گوید: عقل مردم آن زمان اندک و احساس، عاطفه و ایمانشان بسیار بود و بشر سخن دروغ را راحت تر از سخن راست می پذیرد. اگر چنان سخنانی را به زبان نمی آوردند و سخن از معجزات عجیب و غریب نمی زدند، کسی به دین آنان نمی گروید. از طرف دیگر، مرزهای ایران در دوره ساسانیان گسترش زیادی یافته بود و پیروان مذاهب یهودی، مسیحی، زرتشتی، مهر پرستی، ناهید [صفحه ۵۶] پرستی، زروانی، اوشنگی، بودایی و هندی در آن زندگی می کردند و نوعی آشفتگی مذهبی رواج یافته بود و هر کس می توانست ادعای معجزه بیشتری کند، بر حق تلقی می شد. وی پس از بیان آشفتگی مذهبی در ایران قدیم، به موقعیت ژئوپولیتیکی ایران اشاره کرده، می گوید: ایران همواره پلی بین جهانگیران شرق و غرب و شمال و جنوب بود و مردم متمدن، شهرنشین و صلح دوست ایرانی، همیشه گرفتار حمله مردمان وحشی، گرسنه و بی وطن بودند که یا باید می کشتند و یا کشته می شدند و نیاکان صلح دوست ما مغلوب مردمان وحشی و خونخوار می شدند. وی افسار سخن را به امید و موعود کشانده می گوید: در چنین مواقعی که شکست خوردیم، برای این که ما دل نبازیم، نیاکانمان به ما امید می دادند، دل قوی دارید که دستی از غیب بیرون آید و کاری بکند، پایان شب سیه سپید است یا در ناامیدی بسی امید است و این باعث می شد که ایرانی مقاومت کند و دشمن پیروز را مغلوب فرهنگ خود سازد، چنان که رومیان بر ایران پیروز شدند اما در نهایت جز چند اسمی رومی از آنان باقی نماند یا عرب های مسلمان بر ایرانیان غالب آمدند ولی ایرانیان عرب نشدند. در حالی که مصریان که قبطی بودند، عرب شدند. وی اضافه می کند، در زمان آشفتگی مذهبی دوره ساسانی، هر فرقه ای مدعی بود که موعود آینده می آید و دین او را رواج می دهد. یهودیان، مسیحیان، مانویان، مزدکیان و... همین سخن را می گفتند. یکی از دانشمندان ایرانی گفت، موعود آینده هیچ دینی را رواج نمی دهد. او [صفحه ۵۷] عدل و داد را برقرار می کند. او می آید و پیروان مذاهب توحیدی را جمع کرده، از آنان می پرسد، مگر همه شما نمی گوئید که خدا یکی است و پیغمبرتان از جانب او آمده تا فرمان خدا مبنی بر خوشبختی بشریت را اعلام کند؟ همه پاسخ می دهند، چرا! موعود آینده می گوید: پس چرا اسم توحیدی دینتان را از روی آن برداشته و اسم پیغمبرانتان را روی آن گذاشته اید؟ این اختلاف را بردارید. آن گاه دانشمند ایرانی گفت: اگر ما حاضر باشیم، سخن او را بشنویم، او خواهد آمد ولی اگر حاضر نباشیم، نه خدا او را خواهد فرستاد و نه او خواهد آمد و ما هر چه داد و فریاد بزنیم، او نخواهد آمد. و گر نه اگر بیاید، او را هم مثل امام حسین در اسلام یا دیگر پیغمبران، شهید خواهیم کرد. موبد شهرزادی اضافه می کند: آمدن او به میل ما نیست. او وقتی می آید که ما آمادگی داشته باشیم که حرف او را بشنویم و مقدمه خوشبختی خودمان و عالمیان را فراهم کنیم. وی در ادامه به اختلاف و تعبیر بعضی فرقه های مذهبی از شرایط قبل از ظهور موعود پرداخته، اظهار می دارد: باز هم در میان پیروان بعضی از مذاهب اختلاف افتاده، می گویند: او وقتی می آید که همه گرفتار ظلم و ستم هم دیگر باشیم. یا وقتی می آید که دنیا پر از ظلم و ستم شود. پس او حالا نمی آید. وی اضافه می کند: از طرف دیگر عده ای هم عقیده دارند، او وقتی می آید که ما آمادگی رفع ظلم و ستم از هم دیگر را داشته باشیم. مثلاً بعضی از فرق اسلامی عقیده دارند که با قیام امام خمینی و اصلاح جامعه، [صفحه ۵۸] ظهور موعود به تاخیر می افتد و ما نباید جامعه را اصلاح کنیم بلکه باید آن قدر به جان هم بیافیم و دعوای شیعه و سنی، یهودی و مسیحی و... راه بیاندازیم تا او بیاید. بله نظر موبد زرتشتیان، به اعتقاد ما زرتشتیان، اگر این اعمال صورت گیرد، او حالا حالاها نمی آید. پس اول، ما باید آمادگی شنیدن حرف حق را داشته باشیم تا او بیاید ولی بدبختانه طبق فرهنگ ایرانی، (از کرم دان آن چه می آزاردت - تا به تخت معرفت بنشاندت) یعنی برداشت خوبی از آن نداریم. هر چه در این دنیا به ما اذیت شود، باعث خواهد شد ما تفکر کرده، به سر عقل آییم و خودمان بیاییم و ظلم را رفع کنیم. به عقیده

زرتشتیان اگر شر نباشد، کسی فایده خیر را نمی فهمد. اگر کسی گرسنه نباشد، ارزش غذا را نمی فهمد. در فرهنگ زرتشتی، خیر و شر دو گوهر همزاد هستند. بالاخره، آیا زرتشتیان معتقدند که موعود و شخصی می آید؟ موبد، شهرزادی: در اوایل، فقط موضوع امید مطرح بود. مثلاً وقتی پس از ۱۰۰۰ سال ظلم ضحاک، کاوه آهنگر به پا خواست، امید مردم تحقق یافت و به دنبال کاوه آهنگر راه افتادند. به گفته او، در ادیان ایرانی، با سه عنوان امید به موعود گفته شده است. گفته شده، هر وقت هوشیدری آمد، حرف او را بشنوید و هوشیدار همان دانشمند و خردمند است. زرتشت هم در گاتا خود را از جمله هوشیدران خوانده است. [صفحه ۵۹]

عنوان دیگری که امید به موعود داده، سوشیانت یا خیر خواه و نجات دهنده است. اگر کسی از روی خیر خواهی و دلسوزی نسبت به اجتماع، حرفی زد، باید سخن او را شنید. همه پیغمبران به این اسم آمده اند که ما خیر خواه شمایم و دشمن شما نیستیم. عنوان سوم که در مورد موعود آمده، فراشو و کارت یا تازه کنندگان، اصلاح گران است. به گفته آقای رستم شهرزادی، سنت ها کهنه می شوند و نه تنها به درد نمی خورند بلکه ضرر هم می زنند. اگر کسی پیدا شد و گفت، این سنت ها قدیمی شده، عوض کنید، باید به حرف او گوش کرد. او تاکید می کند: البته اصول دین نباید تغییر کند. آن را باید به شکل تعبدی قبول کرد ولی فروع دین، آداب و رسوم، شرعیات و فقه باید با گذشت زمان، تغییر مکان و افزایش سطح فکر و آگاهی مردم عوض شوند. اگر تغییر ندهیم، اصول دین را هم عقب مانده نگه خواهند داشت. به گفته وی، همه پیغمبران در گروه هوشیدران، سوشیانت ها و فراشو و کارت بودند. چنان که عیسی گفته: من برای آوردن دین جدیدی نیامده ام بلکه آمده ام، قانون کهنه شده بنی اسرائیل را اصلاح کنم. زرتشت هم همین کار را کرد. چرا که در مذاهب قدیمی ایرانیان، خدایان متعددی داشتیم. او از روی خیر خواهی ما را به توحید و خدای یکتا فرا خواند. پس شما منتظر شخص خاصی با ویژگی های خاصی، نیستید؟ موبد، رستم شهرزادی: ولی اگر کسی پیدا شد، ممکن است پیرایه موعود به او ببندیم. [صفحه ۶۰] پس شما به فردی همچون یهودیان به ماشیح و مسیحیان به مسیح اعتقاد ندارید؟ موبد، رستم شهرزادی: ماشیح یعنی نجات دهنده و همان مسیح است. چون شین و سین در یهودی و مسیحی قابل تبدیل به هم هستند اما سوشیانت، هوشیدران و فراشو و کارت، تئوری هایی هستند که قبل از زرتشت بوجود آمده اند. ابتدا جماد پرستی، گیاه پرستی، حیوان پرستی، قهرمان پرستی، روح پرستی، شرک و بت پرستی، دین تثلیث و سه خدایی، دو خدایی یا ثنویت بوجود آمدند و سپس توحید آمد.... فرض کنید که هوشیدری، سوشیانتی یا فراشو و کاردی آمد، آیا او با خونریزی می آید؟ موبد، رستم شهرزادی با طرح چند سؤال با عاریه گرفتن سبمل هایی از شیعه، می گوید: به قول شیعه، او سوار بر اسب و شمشیر در دست می آید و آن قدر انسان می کشد تا خون به زیر شکم اسبش برسد. راستی آیا موعود آینده هم سوار بر اسب و شمشیر به دست می آید یا با بمب اتم؟ سطح فکر کسانی که این تئوری ها را می ساختند، خیلی پایین بوده و آنان نمی دانستند که خون آب نیست که بالا بیاید بلکه لخته می بندد. یا فردی از موعود آخر سؤال می کند، چرا این قدر مردم را می کشی؟ او نعلین امام حسین را بالا می برد و می گوید، اگر به خاطر صاحب این نعلین دنیا را نابود کنم، حق دارم! این شقاوت و ظلم در حق مردم است و به هیچ وجه موعود آینده این قدر کینه توز و تشنه انتقام نباید باشد. وی در ادامه با اشاره به شاه بهرام و رجاوند، دستور پشتون، پیغمبر اوشیدر، اوشیدر ماه، اوشیدر بامی، شیوشانس و کیخسرو و پادشاه، [صفحه ۶۱] می گوید: ما برای اینان و دین زرتشت دعای تندرستی می خوانیم و معتقدیم که اینان زنده اند. ما هیچ نمی گوئیم خدایا بیمارز این کمرسان را. ما معتقدیم، آنان زنده هستند و در آخر الزمان می آیند اما چه کسی، چه موقع و با چه کسانی می آید؟ معلوم نیست. زرتشتیان معتقدند که چون شاه بهرام و رجاوند یا بهرام گور، پادشاه عادل بوده، زنده است که او و دیگران برای از بین بردن شر و طرفداری از خیر به کمک مردم خواهند آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهند کرد. آنان معتقدند: هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است در جریده عالم دوام ما موبد، رستم شهرزادی با اشاره با شاهنامه اضافه می کند: شاه کیخسرو پیش از زرتشت به دنیا آمده و شاهنامه هم به زنده بودن آن اشاره کرده است. مثل موعود و امام دوازدهم! چنین اشخاصی در طول هزاران سال بوده اند و به آنها هم اضافه شده است. مثلاً ضحاک ستمگر حکومت

می کرد تا این که فریدون آمد و به او شکست داد و او را در کوه دماوند که آتشفشان بود و به آن جهنم گفته می شد، حبس کرد. او به تفاوت عقیده به موعود در دین زرتشتی و بودایی اشاره کرده، توضیح می دهد: ما آریایی ها از اول معتقد بودیم که در روزگار سختی و بدبختی، موعودی می آید و ما را نجات می دهد. بر عکس مذهب بودا که توصیه می کند، به هنگام گرفتاری، بدبختی و ظلم و ستم، خودکشی کنید که اگر خودکشی کردی به نیران یعنی نیستی می روی. یعنی تا هستیم، گرفتار سختی و بدبختی هستیم. وقتی خوشبخت می شویم [صفحه ۶۲] که نیستیم، ولی نیاکان ما می گفتند: دل قوی دارید که روزی کسی برای نجات ما می آید. وی اضافه می کند: اینها جزو اساطیر هستند و حتی زرتشت هم خود را در گاتا جزو اساطیر می شمارد. آیا نشانه هایی برای ظهور هوشیدر، سوشیانت و فراشووکارت عنوان شده است؟ موبد: رستم شهرزادی: اولین موعود با نام اوشیدرها وقتی می آید که خورشید ۱۰ روز در وسط آسمان بایستد. دومین موعود با نام اوشیدر بامی زمانی می آید که خورشید ۲۰ روز در وسط آسمان بایستد و سوشیانت، موعود سوم، زمانی می آید که خورشید یک ماه در وسط آسمان بایستد ولی این تئوری ها چندان قابل فهم نیستند. با یکی از موعودها زمانی می آید که زمین ستاره باران شود و ستاره های زیادی به زمین فرو ریزد. این تئوری ها حقیقت نیست و با قانون طبیعت مخالف است. ما معتقدیم، دین باید مطابق عقل باشد. همه معتقدند: کسی برای نجات بشر می آید و جهان را پر از عدل و داد می کند و بشر در آن روز مزه خوشبختی را می چشد گر چه یکی او را ماشیح، دیگری مسیح، سومی سوشیانت، هوشیدر، فراشووکارت یا دیگری راهنما و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می خواند. او می آید و شرط آن است که علاقه مندان و عاشقان، راه را هموار سازند و زمینه برقراری عدالت را در جامعه مهیا کنند. هر کس به زبانی صفت مدح تو گوید بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه [صفحه ۶۳]

گفتگو با دو تن از پیروان سیک

از قدیم گفته اند: هر که طوطی طلبد، لاجرم جور سفر دهند کشد، ولی در این زمانه نیاز سفر به آن دیار نیست، چون از مردم آن دیار عده زیادی به سرزمین های دیگر کوچیده اند. اکثر ما از هندیان، یک تصور در ذهن داریم، آدمی با عمامه ای به سر، با ریش و سیل بلند، ولی او هندو نیست. یک سیک یا شاگرد است که خود را پیرو استاد یا پیغمبر گرونانک می داند. گرونانک، حدود ۲۵ سال قبل در پنجاب زاده شد و بعد از رشد، مذهب سیک را پایه گذاری کرد. سیک، حاصل برخورد دو دین و تمدن بزرگ مذهبی اسلام و هندو است که گاهی مومنان آن دو، به جنگ با هم می پرداختند. او معتقد است که اجازه ورود هیچ نوع خرافاتی را به سیک نداده است. با این وجود که ما از مردم هند، سیکها را در ذهن داریم، اما آنان ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ۷۰۰ میلیونی هند هستند. کیش آنها یکی از کیش هایی است که به خدا معتقد است. اگر چه در معبد گوردوارا در تهران روحانی و صاحب منصب مذهبی نبود که در مورد موعود با ما سخن بگوید ولی دو نفر برای گفتگو اعلام آمادگی کردند. آن دو ضمن این که خواستار درج نشدن اسمشان نبودند، تاکید کردند: اگر چه ما از مردم عادی هستیم و مقام [صفحه ۶۴] روحانی نیستیم ولی در حدی اطلاعات داریم که برای شما مفید باشد. در ادامه یکی از آنان می پرسد: حالا موضوع چیست؟ یعنی در مورد چه چیزی باید صحبت کنیم؟ «درباره موعود» آن دو به ما خیره می شوند و به هم نگاه می کنند. می گوییم: در بعضی از ادیان مثل مذهب یهودیت، مسیحیت، زرتشتی و اسلام معتقد هستند که در آینده کسی می آید و ظلم را از جهان بر می چیند و عدالت را برقرار می سازد. یکی از آن دو می گوید: مذهب ما مثل مذهب آنها نیست. البته ما هم خداپرست هستیم و برای همین است که در جمهوری اسلامی اجازه فعالیت داریم. ما با شما در اعتقاد به خدا مشترک هستیم، اما نه، معتقد نیستیم که کسی در آینده می آید... آینده، کی است؟ من الان در زیر ظلم باشم و آن را تحمل کنم که کسی در آینده می آید و اجازه نمی دهد به ما ظلم شود؟ او توضیح می دهد: ما به بیش از ۲ چیز اعتقاد نداریم. یکی به خدای یگانه همیشگی و دیگر به شمشیرمان. برای همین از اول هم با رژیم ها و

حکومت های مختلف مثل انگلیسی ها جنگیدیم و زیر زور نرفتیم. دین به ما یاد می دهد که اگر چیزی حق ماست، آن را بگیریم. ابتدا به آرامی. اگر نشد و طرف، حق ما را نداد، شمشیر بر می داریم و حقمان را از او می گیریم. می گوییم: به هر حال، از اول دنیا به عده زیادی ظلم شده و می شود. قدرت هم در دست ظالمان است، آیا باید کسی باشد که برای همیشه [صفحه ۶۵] دست ظالمان را کوتاه کند و عدالت را برقرار سازد یا نه؟ او پاسخ می دهد: ظلم از چه ناشی می شود، از جهل. هر کجا، مردم جاهل و ناآگاه باشند، ظلم را قبول می کنند اما اگر مردم آگاه باشند، زیر بار ظلم نمی روند. باید جهل را از میان برد تا مردم زیر بار ظلم نروند و دیگران هم ظلم نکنند. اگر باز هم عده ای ظلم کردند، آن وقت، مردم جلوی آنها می ایستند... - شاید نتوانستم سخنم را راحت بگویم. یک مثال می زنم. مثلاً در بویال هند آن کارخانه مواد شیمیائی منفجر شد و حدود ۷ - ۶ هزار نفر کشته شدند. آیا به آنها ظلم نشده است؟ به هم دیگر می نگرند، اندکی سرخ می شوند، آنها که از بحث سیاسی گریزان هستند، تردید نشان می دهند: این بحث دیگری است... قبلاً به آنها گفته شده بود که در آنجا جای نشیمن نسازند. زندگی آنها در اطراف کارخانه غیر قانونی بود. - ولی به هر حال، آنها مردند. آنهایی که دوست داشتند، مثل من و شما زندگی کنند. به خدا عبادت کنند. بچه هایشان را بزرگ کنند... پاسخ می دهند: کار آنها غیر قانونی بود. با آن که به آنها گفته بودند، آنجا زندگی نکنند اما چون به کار نیاز داشتند، در اطراف آن کارخانه الونک هایی از چوب و حلبی ساختند ولی... - حالا، به هر نوعی، به آنها ظلم شده، آنها مرده اند. آیا کسی باید بیاید و حق چنان مظلومانی را از ظالمان بگیرد و آنها را به حکومت برساند یا نه؟ - ما معتقدیم، نه. آنها عملی غیر قانونی کرده اند و رفته اند. [صفحه ۶۶] - ما در اسلام اصول دین داریم و عدالت در آن جای خاصی دارد. اصول دین شما چیست؟ او اصول مذهب سیک را تلفظ می کند. ما متوجه حروف و هجی آنها نمی شویم تا بنویسیم. یک سطر می نویسیم و قبول نمی افتد. قلم و کاغذ را به آنها می دهیم و آنها به حروف فارسی، اصول دینشان را بر ایمان می نویسند و بعد ما معنی یکی یکی آنها را یادداشت می کنیم. لازم به یاد آوری است که ترکیب حره، ه با حروف دیگر، تلفظ خاصی دارد که غیر هندوها در تلفظ آن ناتوان هستند. او درباره اصول مذهب سیک، چنین می گوید: ایک اونکار یعنی خدای یکتا و مداوم، کست نام یعنی وجود او حقیقی است. کرتاپرخ یعنی خدا همه کاره خلقت است. مزبهو، از کسی نمی ترسد، لزویر، با کسی دشمنی ندارد، اکال مووت، در زمان نمی گنجد، اجونی سونهو، از خودش به وجود آمده به دنیا نمی آید و از دنیا نمی رود، گرپرساد، با یاری رهبر می توان درکش کرد، استاد یا پیغمبر. - شما به قیامت، مرگ و سپس به بهشت و جهنم اعتقاد دارید؟ - نه! هر چه هست در این دنیا هست، چه بهشتی بالاتر از این که به خدا برسید. هر لحظه که از خداوند دور باشید، به جهنم نزدیکتر می شوید. دوری از خدا، عین جهنم و بدترین جهنم و نزدیکی به خدا، عین بهشت و بالاترین بهشت است. باید در این دنیا به خدا و بهشت رسید. چون همه چیز در این دنیا است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری

شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازی های رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با ده ها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاه ها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۵۲۰۲۶۰۱۰۸۶۰ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند ان شاء الله. شماره حساب ۶۰۹۵۳۰۶۲۱۰۶، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شب: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه

می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گام‌ها



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

